

شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر در تحولات کالبدی - فضایی نواحی پیراشهری اردبیل با تأکید بر اقتصاد سیاسی فضا

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۰۴

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

صفحات: ۵۷-۸۴

بهرام ایمانی؛ دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
رضا کانونی؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران و عضو جهادآشناسگاهی اردبیل، اردبیل، ایران.

چکیده

الگوهای تغییرات فضایی نواحی پیراشهری، برآیند رابطه درهم‌تنیده بین دو عرصه نسبتاً متفاوت ساختارهای اجتماعی - اقتصادی (نیروها و مکانیسم‌ها) و ساختار فضایی (زمینه تاریخی - جغرافیایی) است. کشف این رابطه، فهم بهتر فرایند و سازوکارهای وابسته به شکل‌گیری نواحی پیراشهری و تغییرات فضایی آن‌ها در بستر اقتصادسیاسی فضا را امکان‌پذیر می‌کند. هدف پژوهش حاضر شناسایی پیشران‌های مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل با تأکید بر اقتصادسیاسی فضا با رویکرد آینده‌پژوهی است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و به لحاظ روش انجام، توصیفی - تحلیلی بوده که در راستای مبانی علم آینده‌پژوهی با رویکرد اکتشافی و تحلیلی به تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل با تأکید بر اقتصادسیاسی فضا پرداخته‌است. در این راستا نیز، گردآوری داده‌ها در بخش نظری به روش اسنادی و در بخش عملی نیز به صورت پیمایشی، مبتنی بر تکنیک دلفی بوده‌است. از نرم‌افزار میک مک و سناریو ویزارد برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. خروجی‌های نرم‌افزار میک مک ناپایداری سیستم را نشان می‌دهد و ۱۶ عامل کلیدی شناسایی شد و تعداد ۳۶ وضعیت احتمالی برای عوامل کلیدی در نظر گرفته شد و ۵ سناریو با بالاترین اعتبار به دست آمد. نگاه آمایشی و استقرار فعالیت‌های مولد و افزایش بهره‌وری در حوزه‌های مختلف در نواحی پیراشهری، تقویت نهادهای مردمی و تسهیل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، هدایت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زا، برنامه‌ریزی از پایین به بالا جزو بالاترین ارزش‌سازی مربوط به عوامل کلیدی در آینده تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل می‌باشند.

واژه‌های

کلیدی:

تحولات

کالبدی فضایی؛

اقتصادسیاسی

فضا؛ نواحی

پیراشهری؛

آینده‌پژوهی،

اردبیل.

E- Mail: bahram_imani60@yahoo.com

نحوه ارجاع به مقاله:

ایمانی، بهرام. کانونی، رضا. ۱۴۰۳. شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر در تحولات کالبدی - فضایی نواحی پیراشهری اردبیل با تأکید بر اقتصاد سیاسی فضا. مجله توسعه فضاهای پیراشهری. ۱۳(۱): ۸۴-۵۷.

۵۷



بعد از انقلاب صنعتی، شهرها با رشد سریع جمعیت و افزایش مهاجرت‌های عظیم روستا-شهری مواجه شدند (امینی و احمدتوزه، ۱۳۹۸: ۸۸). بر اساس برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد (UN-Habitat)، ۵۵ درصد از جمعیت جهان در حال حاضر در مناطق شهری ساکن هستند، در حالی که در سال ۲۰۵۰ انتظار می‌رود جمعیت شهری به ۶۸ درصد برسد. انتظار می‌رود حدود ۹۰ درصد از رشد شهری مناطق کمتر توسعه‌یافته مانند آسیای شرقی، آسیای جنوبی و آفریقا اتفاق بیفتد (UNHabitat, 2020; WHO, 2020). با افزایش جمعیت شهرنشین در کشورها مسائل مختلفی همچون عدم تعادل‌های فضایی، نوسان شدید قیمت مسکن، خزش شهری (Williams, 1999: 229)، توسعه بدون برنامه‌ریزی، به زیرساخت رفتن اراضی مرغوب کشاورزی، چند برابر شدن محدوده‌های شهری (سیف‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲) بروز پیدا کرده است. این معضل همان الگوی گسترش یا پراکنش افقی شهری است که منشأ بسیاری از مشکلات در شهرهای در حال توسعه و توسعه‌یافته شده است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). تحولات کالبدی-فضایی روستاها در دهه‌های اخیر که تحت تأثیر روند سریع شهرنشینی و روستاگریزی است، از لحاظ کیفی و کمی با تحولات ساختاری روبرو شده است (ناصری منش و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۴). توسعه کالبدی-فضایی و رشد شهرها فرآیندی است که کالبد شهری طی آن رشد می‌کند، فعالیت‌ها و کاربری‌های شهری در آن دچار تحول و محیط شهری و محدوده‌های اطراف دستخوش تغییر می‌شوند. این اصطلاح دربرگیرنده توسعه فیزیکی-کالبدی شهر و تغییر در رشد کاربری‌ها و تغییرات سرانه‌های شهری و دربرگیرنده فضای غیرشهری اطراف شهر برای توسعه شهری است (حسینی خواه و زنگی‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۴۷). در این بین فضاهای پیراشهری یکی از مهم‌ترین عواملی می‌باشند که برنامه ریزان بخش توسعه از آن به عنوان ابزار مهم در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی یاد می‌کنند. ناحیه پیرامونی شهر که به شدت تحت تأثیر فعالیت‌های شهری قرار دارد اغلب به عنوان پیراشهر شناخته می‌شود. بدین شکل که شهرها با پیشروی به سوی فضاهای زیستی، اراضی کشاورزی و محیط طبیعی موجب شکل‌گیری و دگرگونی شهرها در اندازه‌های گوناگون، دگرگونی از ماهیت روستایی به شهری در روستاهای در مرحله گذار و پدیدار گشتن پیراشهرنشینی می‌شوند (دانشپور، ۱۳۸۵: ۱۳). در کشورهای در حال توسعه به مناطقی که در حاشیه‌های شهرها به تازگی شهرنشین شده و محل اتصال حومه به شهر است پیراشهر گفته می‌شود که غالباً به عنوان نواحی مختلط تحت نفوذ شهر، اما با مورفولوژی و ریخت‌شناسی روستایی در نظر گرفته می‌شوند و به صورت یک ناحیه در حال گذار از محیط به شدت روستایی به محیطی کاملاً شهری توصیف می‌شود که تحت فشار برای توسعه شهری است (Caruso, 2015: 16; Bertrand, 2007: 65). وقتی جمعیت افزایش می‌یابد و شهرنشینی شتاب می‌گیرد، از رویارویی "شهر-روستا"، در محیط پیرامونی شهرها، فضاهای جدید سکونتی ایجاد می‌شود که به شدت تحت تأثیر فضاهای شهری قرار دارد. این گونه فضاهای سکونتی "پیراشهر" نامیده می‌شود. (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۵-۳۳).

الگوهای تغییرات فضایی نواحی پیراشهری، برآیند رابطه درهم‌تنیده بین دو عرصه نسبتاً متفاوت ساختارهای اجتماعی-اقتصادی (نیروها و مکانیسم‌ها) و ساختار فضایی (زمینه تاریخی-جغرافیایی) است. کشف این رابطه، فهم بهتر فرایند و سازوکارهای وابسته به شکل‌گیری نواحی پیراشهری و تغییرات فضایی آن‌ها در بستر اقتصاد رانتی را امکان‌پذیر می‌کند. در تبیین مسئله نواحی پیراشهری، بخش عمده‌ای از تحلیل‌ها به تبعیت از ادبیات اقتصاد سیاسی

شهری رایج در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، ناشی از موجودیت نظام سرمایه‌داری و جهانی، و تبعات ناشی از آن مثل تخریب و نابودی کشاورزی و روستاها و بالطبع رکود و مهاجرت به شهرها عنوان شده است (حکیمی، ۱۳۹۰: ۲). توجه اقتصاد سیاسی، به تحلیل روند تولید ارزش‌ها و مبادله آن‌ها میان افراد یا گروه‌های اجتماعی در سطوح ملی و بین‌المللی است. به گفته ژان باتیست سی اقتصاد سیاسی باید به بررسی ثروت و نیز روش‌هایی که بر پایه آن‌ها ثروت تولید، توزیع و مصرف می‌شود، پردازد (وهابی، ۱۳۸۴: ۶۲). اقتصاد سیاسی، یکی از پایه‌های تحلیل فضای نظام‌های اجتماعی است و جغرافیدانان بیش از هر رشته دیگر وظیفه تشریح آن را دارند، زیرا جغرافیا دیدی ترکیبی است (حاتمی نژاد و عبدی، ۱۳۸۶: ۱۹۸).

محدوده مورد مطالعه پژوهش حاضر، شهر اردبیل می‌باشد. ظهور پدیده نخست شهری در استان اردبیل و گسترش لجام‌گسیخته‌ی شهر اردبیل (به‌خصوص بعد از استان شدن آن در سال ۱۳۷۲) بر اساس خواست‌ها و نیازهای جامعه شهری، دگرگونی و تحولات پر دامنه‌ای را در عرصه‌های گوناگون زندگی برخی از روستاهای حوزه‌ی نفوذ خود داشته است. رشد سریع جمعیت شهر اردبیل و به تبع آن افزایش تقاضای مسکن و مستحداثات بیشتر، باعث گسترش کالبدی شهر شده است. پاسخگویی به این تقاضا عموماً از طریق تغییر کاربری اراضی زراعی پیرامون شهر و حتی روستاهای مجاور و به عبارت دیگر هضم روستاها در خود و تبدیل زمین‌های روستایی به کاربری‌های مسکونی انجام شده است. آنچه اینجا شاهد آن هستیم رشد بدون برنامه و نااندیشیده کاربری اراضی هم در داخل محدوده‌های رسمی شهر و هم در سکونتگاه‌های روستایی حوزه نفوذ می‌باشد. افزایش مهاجرت‌های روستا شهری و عدم کنترل و نظارت صحیح به این مناطق در سایه نبود طرح‌های جامع و بالادست منجر به توسعه کالبدی نامتوازن و ناموزون روستاهای پیرامون شهر اردبیل شده است. در این بین عدم شفافیت در وظایف مشخص هر یک از دستگاه‌های اجرایی در رابطه با مدیریت مناطق پیراشهری و رشد سکونتگاه‌های غیررسمی باعث شکل‌گیری رانت زمین می‌شود. رشد جمعیت شهری و مهاجرت‌های روستا به شهر و از طرفی به دلیل نایاب بودن زمین (زمین به‌عنوان منبع کمیاب) و تقاضای زیاد برای سکونت در مناطق پیراشهری به دلیل عدم توانایی اقتصادی مهاجران و حتی ساکنین مناطق حاشیه‌ای شهر و افزون بر این عوامل عدم وجود طرح‌ها و سیاست‌های کلان‌شهری برای مناطق پیراشهری عملاً باعث ایجاد رانت‌های عظیم زمین و مسکن در این نواحی می‌گردد. بر این اساس مهم‌ترین پرسش پژوهش حاضر عبارت است از: ۱- مهم‌ترین پیشران‌های مؤثر بر آینده و وضعیت مناطق پیراشهری اردبیل در ابعاد کالبدی-فضایی کدام‌اند؟ ۲- مهم‌ترین سناریوهای احتمالی برای آینده نواحی پیراشهری اردبیل در چه شرایطی قرار دارند؟

در زمینه موضوع مورد بحث، مطالعات متعددی صورت گرفته است. در همین راستا به تعدادی از مطالعات صورت گرفته در سال‌های اخیر در قالب مطالعات داخلی و مطالعات خارجی پرداخته می‌شود. لازم به توضیح است که در رابطه با منطقه مورد مطالعه پژوهش حاضر که اقدام به بررسی مهم‌ترین پیشران‌های مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی مناطق پیراشهری اردبیل نموده است تاکنون پژوهشی با رویکرد اقتصاد سیاسی فضا و روش آینده‌پژوهی در منطقه مورد مطالعه پژوهش حاضر انجام نیافته است. همچنین در بین پژوهش‌های انجام یافته نیز عموماً به صورت تک رویکردی یا تک‌موضوعی بوده و رویکرد اقتصاد سیاسی فضا در نواحی پیراشهری با استفاده از مبانی علم آینده‌پژوهی مورد توجه جدی نبوده است.

عنابستانی و فعال جلالی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان تحلیل میزان اثرگذاری نظارت دهیاری‌ها بر ساخت و سازهای توسعه کالبدی (مطالعه موردی: روستاهای پیراشهری کلانشهری مشهد) به این نتیجه دست یافتند که بین نظارت دهیاران و شاخص‌های توسعه کالبدی - فضایی رابطه معناداری وجود دارد. هر چه نظارت بیشتر باشد جهت توسعه کالبدی-فضایی متوازن‌تر خواهد بود. قنبری و جمشیدزهی شه‌بخش (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان خزش شهری و تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های پیراشهر زاهدان، عنوان کرده‌اند که خزش شهری در زاهدان باعث تحولات در افزایش جمعیت، تغییر در ساختار فعالیت و همچنین ساختار اشتغال در نواحی پیراشهری شده است. این اثرات در بخش کشاورزی دارای نتایج منفی بوده ولی در بخش خدمات نتایج مثبتی را ایجاد کرده است. در بعد اجتماعی نیز منجر به ایجاد نقش خوابگاهی و افزایش جابجایی جمعیت و تبادلات فرهنگی از روستاهای پیرامونی به شهر زاهدان بود. حق پناه و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تبیین نقش الگوی مدیریت زمین شهری مبتنی بر توسعه کالبدی - فضایی شهرها (موردپژوهی: منطقه ۱۲ کلانشهر تهران) معتقدند که الگوی کنونی مدیریت زمین شهری در منطقه ۱۲ کلانشهر تهران منجر به بروز ناپایداری‌های کالبدی - فضایی شده است.

Leitner & Sheppard (2022) در مقاله‌ای با عنوان سوداگری زمین، مالکیت و آینده‌های پیراشهری: رویکردی همزمان برای مقایسه درون‌شهری با یک رویکرد همزمان برای مقایسه به‌عنوان وسیله‌ای برای ثبت پیچیدگی فرآیندهای شکل‌دهنده دگرگونی‌های زمین شهری در شهری از جنوب جهانی (اندونزی) بررسی کرده‌اند، و اقدامات مشترک توسعه‌دهندگان و ساکنان محلی را در سراسر جابودتابک (پرجمعیت‌ترین منطقه شهری در اندونزی) مرکزی و حومه شهری مقایسه کرده‌اند. با به‌کارگیری این اصول در یک مقایسه اجتماعی-فضایی درون‌شهری، نشان داده‌اند که سفته‌بازی اقتصادی در زمین و دارایی به‌طور پیچیده با تفکرات فرهنگی-اجتماعی بازیگران درگیر است، زیرا آن‌ها به دنبال تحقق آرمان‌ها برای آینده‌های پیراشهری متمایز هستند. سوداگری زمین نابرابری‌های موجود در ثروت و اختلاف قدرت بین توسعه‌دهندگان و ساکنان کامپونگ^۱ را عمیق‌تر می‌کند. حذف سکونتگاه‌های غیررسمی و جابه‌جایی ساکنان آن‌ها با توانایی سایر کامپونگ‌ها و ساکنان منتخب برای استفاده از فرصت‌های سرریز از توسعه‌های رسمی ساخته‌شده در زمین‌های کامپونگ سابق تکمیل می‌شود. شهر مرکزی و مناظر پیراشهری متمایز در حال ظهور هستند که با تفاوت در بوم‌شناسی اجتماعی سرزمین و حکومت محلی و رژیم‌های برنامه‌ریزی شکل گرفته‌اند. Gidwani & Upadhy (2022) در پژوهشی با عنوان کار ارتباطی: زنجیره ارزش جمع‌آوری و احتکار زمین و توسعه املاک و مستغلات در یک مرز پیراشهری؛ زنجیره ارزش احتکار زمین را بررسی می‌کند که زیربنای دگرگونی‌ها در مرزهای پیراشهری بنگلور هند به‌سرعت در حال گسترش است. این مقاله با تکیه بر مصاحبه‌های دقیق با واسطه‌های بازار زمین، که در مقیاس‌های مختلف کار می‌کنند، که در جمع‌آوری و احتکار زمین کشاورزی برای یک مجتمع آپارتمانی بزرگ نقش داشتند، نشان می‌دهد که چگونه شکل‌های موجود قدرت اجتماعی و دانش محلی برای ایجاد پیوندهای بین مقیاسی، که این امکان را فراهم می‌سازد مهار می‌شوند. این موضوع برای درک کار اقتصادی و فرهنگی واسطه‌ها در متحرک کردن زنجیره ارزش زمین به‌عنوان «کار مفصل‌سازی» مورد استفاده قرار می‌گیرد. درنهایت، این مقاله اشکال و مقدار متغیر ارزشی را که توسط بازیگران مختلف در زنجیره

^۱ کامپونگ اصطلاحی است برای روستایی در برونی، اندونزی، مالزی و سنگاپور و یک «بندر» در کامبوج. این اصطلاح در مورد روستاهای سنتی، به ویژه مردم بومی به کار می‌رود، و همچنین برای اشاره به مناطق زاغه‌نشین شهری و توسعه‌ها و محله‌های محصور در داخل شهرها و شهرهای برونی، اندونزی، مالزی، سنگاپور، کامبوج، سریلانکا و جزیره کریسمس استفاده شده است.

ارزش تولید و جذب می شود، ارزیابی می کند، که از کشاورز مالک زمین تا یک شرکت بزرگ املاک و مستغلات امتداد دارد، تا بر روی پویایی های خرد شهرسازی سوداگران و شهرنشینی کشاورزی سوداگران تأمل کند. Bali & Bhatia (2021) در پژوهشی با عنوان توسعه، شکوفایی و آرزوها: روایتی از مناطق پیراشهری نویدا معتقدند که توسعه شهری در حاشیه شهر به عنوان یک فرآیند منحصربه فرد شهرنشینی، در ویژگی های متمایز فضایی و اجتماعی-اقتصادی تجلی می یابد. پیدایش انواع سکونتگاه ها - آمیخته ای از ویژگی های روستایی و شهری - از نظر عملکردی بین اقتصاد کشاورزی و غیر کشاورزی با تغییر فراگیر در کاربری ها و منابع معیشت و همراه با حالت عقب نشینی هنجارهای اجتماعی روستایی و پیشرفت شیوه زندگی شهری به طور قابل ملاحظه ای در چشم انداز پیراشهری شهرهای بزرگ هند مشهود است. چالش های اجتماعی-اقتصادی حاصل برای ساکنان پیراشهری اغلب بین برنامه توسعه وعده داده شده و آرزوهای آن ها شکاف ایجاد می کند. بررسی تحولات اجتماعی-اقتصادی ناشی از تخصیص زمین توسط دولت ایالتی برای توسعه شهری و صنعتی و پیامدهای مذاکرات زمین در پنج روستای حومه شهری نویدا - از ناهماهنگی شهرنشینی حکایت دارد که شهرنشینی به نفع شهرها به قیمت حذف روستاها تمام می شود، و فرآیندهای اداری که از آرزوهای کسانی که زمین هایشان زمینه های این دستور کار توسعه را فراهم کرده است، غافل مانده است. Hlavacek et al (2019) در مقاله ای با عنوان تأثیر حاشیه نشینی بر توسعه پایدار سکونتگاه ها در فضاهای پیراشهری: راه حل های هوشمند و جدید؛ در مورد تأثیر حومه نشینی بر توسعه پایدار سکونتگاه ها در فضاهای پیراشهری لبیم در جمهوری چک نشان دادند که راه حل ها و روش های هوشمندانه ای برای رشد اقتصادی این نواحی از طریق شرکت های دانش بنیان و نیروی کار فراوان می باشد.

اقتصاد سیاسی یک دانش میان رشته ای است و از منظر اقتصاد سیاسی، فضا پدیده ای است که تولید می شود و در رابطه مستقیمی با نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه قرار دارد. بررسی فرآیندهای اجتماعی، شناسایی نیروهای سازنده و آفریننده فضای جغرافیایی و محتوای اجتماعی آن، لازمه شناخت فضا است. سیمای فضا منعکس کننده روابط اجتماعی حاکم بر آن فضا است. تمام جوامع در داخل فضاهایی هستند که خود به آن سازمان داده اند و بدون فضا نمی توان از وجود جوامع صحبت کرد. در مکتب اقتصاد سیاسی فضا، صاحبان قدرت از طریق کنترل شهر بر کل فضاهای جغرافیای تسلط پیدا می کنند. مهم ترین هدف این مکتب کشف الگوهای فضایی فرآیند تولید، توزیع، مصرف و نقش دولت، گروه ها و طبقات اجتماعی در شکل بخشی به آن الگوها است. شهرنشینی ناهمگون، انعکاس شهری شدن بدون صنعتی شدن است که با پیدایش شهرهای مسلط و نخست شهرها که امکانات ملی را به سمت خود جذب می کنند سبب بی تعادلی مکانی-فضایی شده و تضاد و اختلاف طبقاتی را در ابعاد مختلف کالبدی، فضایی در داخل شهرها و همچنین بین شهرها و روستاها و نیز بین نواحی مختلف موجب می گردند (افراخته و حجبی پور، ۱۳۹۴: ۸۸). اقتصاد سیاسی فضا برخلاف لیبرال ها به علل پیدایش سکونتگاه های مختلف می پردازد و می کوشد باریشه مسئله درگیر شود (عباسی، ۱۳۹۲: ۳۲-۳۱). مارکس اقتصاد سیاسی را در امر تولید، مبادله و مصرف در راستای سلسله مراتب اجتماعی و سیاسی به کاربرده که بازتولید نظم اقتصادی را باعث می شود (رنه شورت، ۱۳۹۰: ۱۱۱). اقتصاد سیاسی فضا بنیاد جغرافیای رادیکال می باشد و در اکثر موارد متأثر از مکتب ساختارگرایی است (خمر، ۱۳۸۵: ۱۱۵). دیوید هاروی در کتاب شهری شدن سرمایه اشاره می کند که مقصود از شهری شدن در فرم سرمایه داری چرخش حول

محور مدار انباشت و مبارزه طبقاتی است (هاروی، ۱۳۸۷: ۲۵). در فرایند شهری شدن که ایجاد زیرساخت‌های کالبدی در آن اتفاق می‌افتد، مجموعه‌ای از ارزش‌های مصرف برای تولید ارزش و همچنین ارزش اضافی به خدمت گرفته می‌شود (هاروی، ۱۳۸۷: ۴۰). براین اساس، تغییرات شهری در راستای انباشت سرمایه صورت می‌پذیرد و فضاهای شهری اگر در برابر انباشت سرمایه مانع ایجاد کنند برای تسهیل گردش سرمایه تغییر می‌یابند و از این طریق سرمایه‌داری برای خود فرصت مناسبی در انباشت سرمایه و خروج از بحران فراهم می‌کند. بنابراین فضا کالایی می‌شود و همانند هر کالای دیگری در جامعه تولید و مصرف می‌شود بدون آن که هیچ حساسیت سیاسی خاصی نسبت به آن شکل بگیرد (شورچه، ۱۳۹۴: ۸۶).

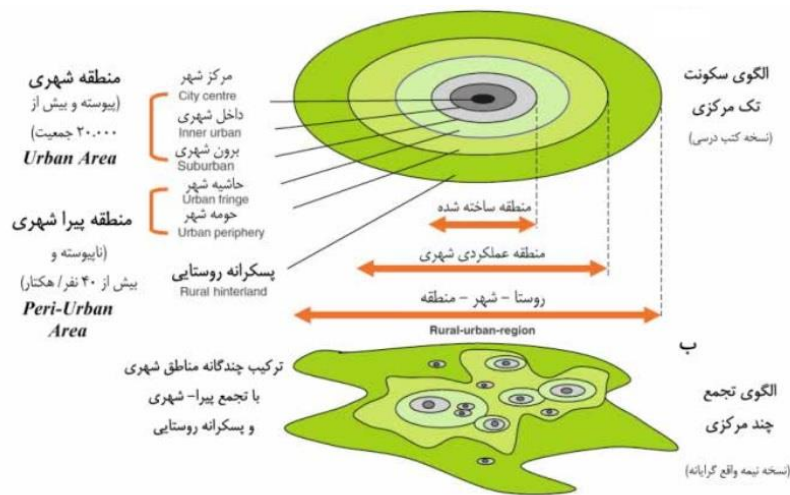
اقتصاد رانتی، دولت رانتی، شهر رانتی، ساختارهای جامعه رانتی هستند. در این سیستم دولت و شهر رانتی زیرسیستم‌های اقتصاد رانتی به شمار می‌روند. رانت برخلاف سود و مزد که به‌عنوان عامل کاهش یا افزایش قیمت به‌طور طبیعی و در نتیجه تلاش مولد به دست می‌آید. هر نوع درآمدی که از خارج به داخل کشور جریان یابد بدون آن که برای آن سرمایه‌گذاری اجتماعی و یا فعالیت مولد و متقابلی صورت گرفته باشد (علی‌اکبری، ۱۳۹۴: ۳۰). اقتصاد سیاسی فک شده (رها شده و بدون کنترل) و ایده بازار خودتنظیم گر بر نوعی آرمان شهر محض دلالت دارد. چنین نهادی نمی‌تواند مدتی مدید وجود داشته باشد مگر آن که جوهر انسانی و زیست‌محیطی جامعه را نیست و نابود سازد. انسان را جسماً نابود و محیط پیرامون او را به برهوت بدل سازد (پولانی، ۱۳۹۱: ۵۰). کلانشهرها امروزه نه تنها تبدیل به فضای قدرت سیاسی شده است بلکه تبدیل به محور کلیه فعالیت‌ها اقتصادی گردیده است. از دیدگاه لوفور شهر فضای توسعه و دوام سرمایه‌داری به‌عنوان شیوه تولید است (سعیدی فرد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۶). هاروی معتقد است که مفهوم «زمین» اینک همه‌ی زیرساخت‌ها و جرح و تعدیل‌های انسانی انباشته شده از دوره‌های گذشته و نیز سرمایه‌گذاری‌های اخیر را که هنوز مستهلک نشده‌اند، شامل می‌شود. سلطه بالقوه‌ی رانت بران و مالکان زمین بر فعالیت‌های اقتصادی اینک حتی تهدید بزرگ‌تری است بالأخص که از پشتیبانی نهادهای مالی برخوردارند که از افزایش اجاره‌ها، قیمت‌های زمین و مستغلات منتفع می‌شوند (هاروی، ۱۳۹۴: ۱۰۹).

پیراشهر منطقه‌ای واقع در هم‌جواری یک شهر یا ناحیه‌ی شهری است. پیراشهر، مرز بین موقعیت شهری و روستایی است و محل گذار از ساختار شهری به چشم‌انداز روستایی است، به‌طوری که می‌تواند قلمرو قابل توجهی در منطقه داشته باشد. در کشورهای توسعه‌یافته قدیمی، پیراشهر یک منطقه از تغییرات اجتماعی و اقتصادی و باز ساختاردهی فضایی است؛ اما در کشورهای که اخیراً توسعه‌یافته‌اند یا در حال توسعه می‌باشند، پیراشهر اغلب یک منطقه از شهرسازی بی‌نظم و هرج و مرج است که منجر به خزش شده است (مکانیکی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۳-۶۴). از ویژگی‌های سکونتگاه‌های پیراشهری می‌توان به ارزش‌های روستایی و سنتی، نزدیکی به بزرگراه‌ها، تجاری شدن و تغییر فعالیت کشاورزی، زیرساخت‌های شهری غیررسمی، نامنظم و عموماً بدون برنامه‌ریزی و مقررات دولتی، تراکم کمتر و کمبود خدمات اشاره کرد (Horn 2021: 2). پیراشهر به فضایی منفک و منفصل از شهر اما تحت تأثیر جریان شهرنشینی که به‌عنوان محکی برای تغییر و تحول، نه فقط در سطح محلی بلکه در سطح شهر منطقه یا به بیانی دیگر در سطح روستا-شهر-منطقه اطلاق می‌شود (فاضل‌نیا و نسیمی، ۱۳۹۹ و رفیعی و همکاران، ۱۳۹۹). مناطق پیراشهری جریان فیزیکی کالا و خدمات را بین فضاهای روستایی و شهری نشان می‌دهد و به‌عنوان یک محل ارتباط مطرح می‌باشد. مناطق پیراشهری مکان‌هایی پر جنب و جوش و به‌ظاهر آشفته با حداقل حضور دولت است (Bhanye

1) et al, 2023. سکونتگاه‌های پیراشهری نیز مانند هر پدیده دیگر، از جنبه‌های مختلف مطرح و مورد تأکید قرار گرفته است. در واقع سکونتگاه‌های پیراشهری بر اساس دیدگاه‌های گوناگون مورد توجه می‌باشد.

۱- دیدگاه فضایی: از دیدگاه فضایی، انسجام و پیوستگی حوزه‌های روستایی با نظام‌های شهری منجر به توسعه نواحی پیراشهری می‌شوند. در دیدگاه فضایی فاصله جغرافیایی جزو معیارهای مهم اصلی است. به‌طوری شدت روابط بین سکونتگاه‌های شهری و روستایی بستگی به موقعیت جغرافیایی آن‌ها دارد. هر چه این سکونتگاه‌ها به هم نزدیک‌تر باشند شدت روابط بین آن‌ها بیشتر خواهد شد.

۲- دیدگاه کارکردی: از دیدگاه کارکردی، عامل توسعه نواحی پیراشهری، همگرایی بین شهر و روستا است. معیارهایی مانند مدیریت فضا، سازمان‌دهی فضا، روابط بین نهادها، مسیرهای دستیابی به توسعه اقتصادی، پاسخگویی به نیازهای جمعیت، مدیریت منابع طبیعی و فرهنگی در این دیدگاه مهم می‌باشند (مکانیکی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۳-۶۴).



شکل ۱. ویژگی‌های منطقه پیراشهری

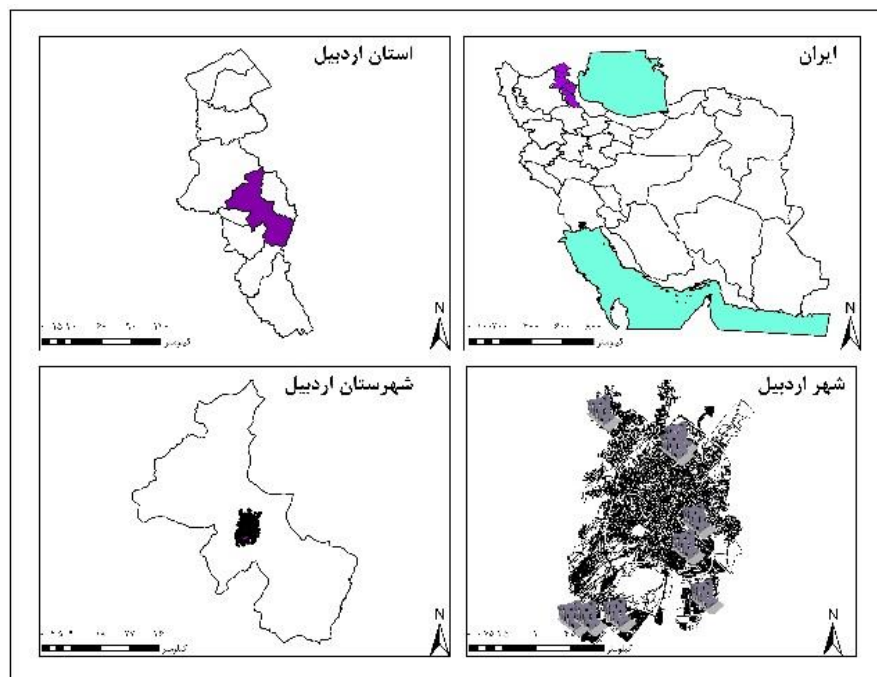
منبع: (رفعی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۷)

تغییرات پیراشهری نتیجه مستقیم گسترش شهر است و ناحیه پیراشهر به سمت نواحی روستایی گسترش پیدا می‌کند. این نخست در نتیجه رشد اقتصادی و افزایش جمعیت است که منجر به تقاضایی برای مسکن و نواحی تجاری می‌شود. موقعیت مسکن در بخش‌هایی با توجه به وضعیت دسترسی به حمل‌ونقل برای اشتغال و خدمات و در بخش‌های دیگر با توجه به جاذبه‌های زیست‌محیطی و همچنین با توجه به ارزش زمین تعیین می‌شود. معمولاً برای توسعه، برخی محدودیت‌های کالبدی و سیاسی وجود دارد. پویایی‌های جمعیتی، شناختی و اجتماعی با عوامل تغییر جمعیت ناشی از نرخ‌های باروری و مرگ‌ومیر و مهاجرت هدایت می‌شوند. از آنجا که مرگ‌ومیر و باروری نسبتاً کند تغییر می‌کنند، در بیش از چند دهه تعدادی از نمایه‌های بسیار متنوع جمعیت شناختی توانسته‌اند ظاهر شوند. جریان‌های مهاجرت درون منطقه‌ای و بین‌المللی، به عوامل سیاسی و نوسانات جهانی اقتصاد از میان بقیه عوامل، متأثرتر و وابسته‌تر است. همچنین کاهش مداوم در اندازه متوسط خانوار (برای مثال، پیر شدن جمعیت) بر تقاضاهای مسکن تأثیر خواهد گذاشت. مهاجرت روستا-شهری (به خارج یا داخل) وابسته به سیاست‌های فضایی، جاذبه‌های نسبی شهرها یا نواحی

روستایی برای کار، کیفیت زندگی و همین‌طور حمل‌ونقل و ارتباطات است. رشد اقتصادی و اشتغال، نرخ شهرنشینی را بالا می‌برد. نرخ سپرده‌گذاری و سرمایه‌گذاری، به‌عنوان عوامل فشار بر سمت عرضه تولید و کشش از سمت تقاضای مصرف‌کنندگان، توسعه بورس ساختمان و تغییر کاربری را تغذیه می‌کند. همچنین ساختارهای اقتصادی و الگوهای اشتغال بر گرایش‌های پیراشهرنشینی تأثیر گذارند، برای مثال اگر دورکاری برای بخش خدمات متداول‌تر شود، فناوری کسب‌وکار به وجود آمده نه تنها روی اشتغال، بلکه بر تدارکات زنجیره تأمین، توزیع کالا و خدمات و مصرف نیز تأثیر خواهد گذاشت (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۰-۳۹).

روشناسی

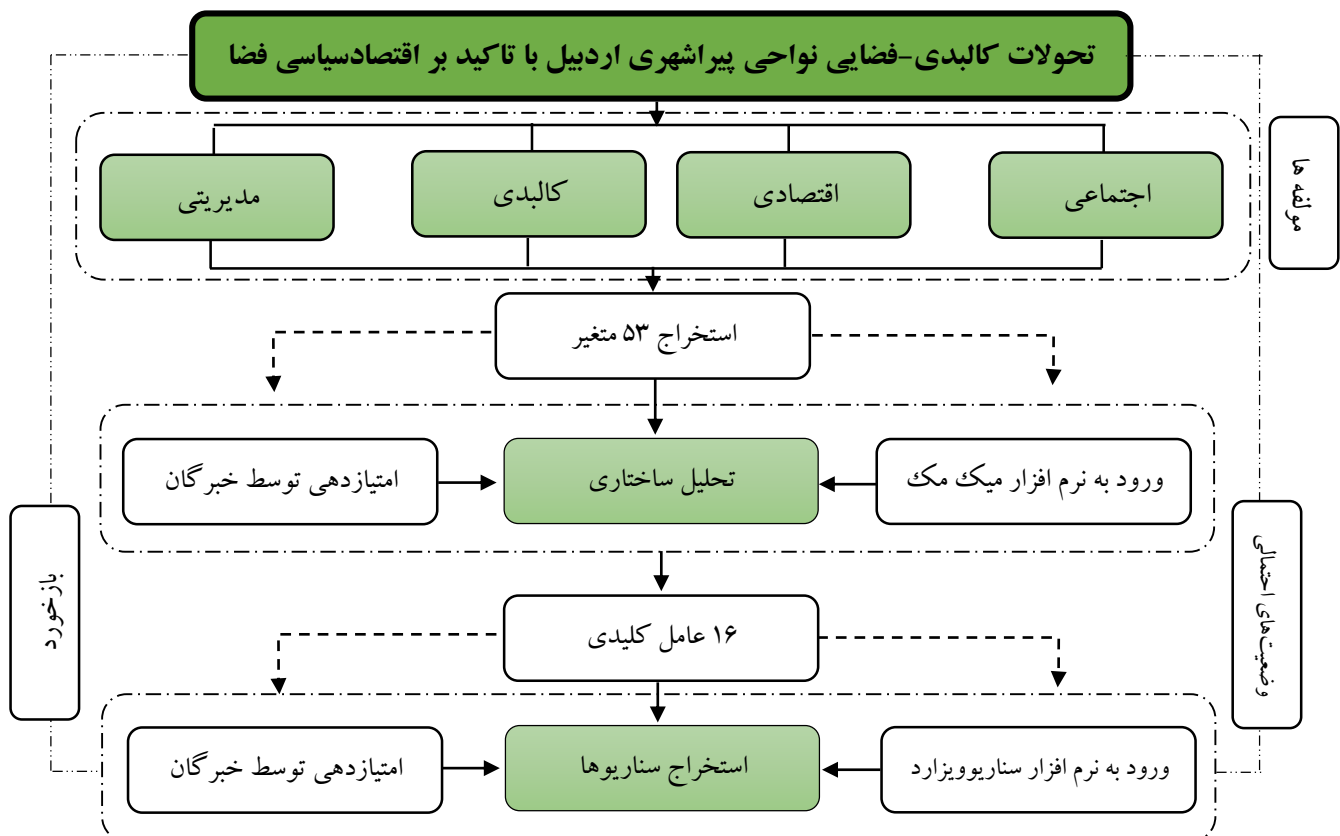
شهر اردبیل مرکز استان و شهرستان اردبیل می‌باشد. این شهر دارای ۵ منطقه شهرداری است و در شمال غربی کشور و در موقعیت ریاضی ۳۸ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۱۷ دقیقه طول شرقی واقع شده است و متوسط ارتفاع آن از سطح دریا ۱۳۴۵ متر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این شهر در میان کوه‌های تالش و سبلان استقرار یافته و دارای زمستان‌های سرد و تابستان‌های معتدل می‌باشد. ارتباطات شهر اردبیل با سایر نقاط شهری، چه در استان و چه در خارج از آن از طریق محورهای اصلی برقرار می‌گردد. اصلی‌ترین محور ارتباطی شهر اردبیل، محور تبریز- بستان‌آباد- سراب، اردبیل- آستارا با جهتی شرقی- غربی می‌باشد.



شکل ۲. موقعیت شهر اردبیل در استان و کشور

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و به لحاظ روش انجام، توصیفی-تحلیلی بوده که در راستای مبانی علم آینده‌پژوهی با رویکرد اکتشافی (دیده‌بانی گذشته و حال، جهت شناخت آینده) و تحلیلی به وضعیت تحولات کالبدی-فضایی مناطق پیراشهری اردبیل پرداخته است. در این راستا نیز، گردآوری داده‌ها به روش اسنادی و به‌صورت پیمایشی، مبتنی

بر تکنیک دلفی بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار میک مک استفاده شده است که پرسشنامه به صورت ماتریس اثرات متقابل و با استفاده از نظرات کارشناسان و متخصصان می‌باشد. برای شناسایی عوامل کلیدی توسط نرم‌افزار میک مک، پس از اینکه عوامل اثرگذار در تحولات کالبدی-فضایی مناطق پیراشهری استخراج شد اقدام به طراحی پرسشنامه تأثیرات متقابل گردید. جامعه نمونه تحقیق شامل ۲۱ نفر از کارشناسان و متخصصان رشته‌های مختلف از جمله جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، جامعه‌شناسی، جغرافیای سیاسی، مدیریت، شهرسازی است. پس از تکمیل پرسشنامه توسط جامعه نمونه، از ۲۱ پرسشنامه مذکور میانگین‌گیری انجام و در قالب یک فایل اکسل وارد نرم‌افزار MicMac شد و سپس براساس خروجی‌های این نرم‌افزار پیشران‌های کلیدی تعیین شد. در مرحله بعد پیشران‌های اثرگذار شامل متغیرهای تأثیرگذار، ریسک و تنظیمی، استخراج و سپس وضعیت‌های احتمالی مختلفی برای هر کدام از این پیشران‌های کلیدی در نظر گرفته شد برای وزن دهی این عوامل، پرسشنامه اثرات متقابل طراحی گردید (وزن دهی این پرسشنامه به صورت مقایسه‌ای زوجی و میزان ارتباط متغیرها به صورت طیفی از اعداد ۳ تا ۳- سنجیده می‌شود). سپس پرسشنامه به وسیله جامعه نمونه تکمیل و برای تدوین سناریوها از طریق قابلیت Ensemble در نرم‌افزار Scenario Wizard، وارد نرم‌افزار شد.



شکل ۳. چهار چوب تحلیلی کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل با تأکید بر اقتصاد سیاسی فضا

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۲

جدول ۱. شاخص‌ها و عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل

مؤلفه	شاخص	منبع
اجتماعی	افزایش جمعیت روستاهای مستقر در نواحی پیراشهری (X1)	(قنبری و جمشیدزهی شه‌بخش ۱۳۹۹)
	افزایش اشتغال زنان و کودکان در نواحی پیراشهری (X2)	(افراخته، ۱۳۹۹)
	افزایش مهاجرت‌های روستا-شهری (X3)	(قادرمرزی و احمدی، ۱۳۹۶)
	ظرفیت نهادهای در نواحی پیراشهری (X4)	(طاهریان و پارسى، ۱۴۰۲) (علی‌اکبری و همکاران، ۱۴۰۰)
	تغییر سبک زندگی (X5)	(Lundman & Kymalainen, 2023)
	حذف طبقه متوسط و فرودست جامعه در نواحی پیراشهری (X6)	(طاهریان و پارسى، ۱۴۰۲)
	تغییرات دائم در ترکیب جمعیتی نواحی پیراشهری (X7)	(Majewska et al, 2022)
	افزایش مشارکت‌های مردمی در نواحی پیراشهری (X8)	(Lundman & Kymalainen, 2023)
اقتصادی	مسئله فقر و پایین بودن سطح سنجه‌های توسعه در نواحی پیراشهری (X9)	(سرور و همکاران، ۱۴۰۰)
	مشخص نبودن هزینه و منافع استقرار فعالیت در نواحی پیراشهری (X10)	(سرور و همکاران، ۱۴۰۰)
	نگاه سودجویانه بخش‌های دولتی به نواحی پیراشهری (X11)	(سرور و همکاران، ۱۴۰۰)
	ضعف بنیان‌های تحلیلی در تعیین نوع فعالیت‌های بهره‌ور در نواحی پیراشهری (X12)	(سرور و همکاران، ۱۴۰۰)
	زمین‌خواری و تصرف اراضی نواحی پیراشهری به‌واسطه زمین به‌عنوان عامل ثروت (X13)	(Gidwani & Upadhya, 2022) (افراخته، ۱۳۹۹) (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷)
	افزایش سرمایه‌گذاری در خریدوفروش مسکن (X14)	(قادرمرزی و احمدی، ۱۳۹۶) (Hlavacek et al, 2019)
	افزایش سرمایه‌گذاری در خدمات مولد و کارآفرینی (X15)	(Heider & Siedentop, 2020) (قادرمرزی و احمدی، ۱۳۹۶)
	افزایش استقرار شرکت‌های دانش‌بنیان و مراکز رشد در نواحی پیراشهری (X16)	(Heider & Siedentop, 2020)
	افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع دامی و کشاورزی (X17)	(قادرمرزی و احمدی، ۱۳۹۶)
	افزایش خریدوفروش زمین‌های زراعی و باغی (X18)	(Majewska et al, 2022) (قادرمرزی و احمدی، ۱۳۹۶) (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷)
	افزایش درآمد ساکنین نواحی پیراشهری (X19)	(Gidwani & Upadhya, 2022) (فنی و همکاران، ۱۳۹۷)
	افزایش فرصت‌های شغلی در بخش صنعت در نواحی پیراشهری (X20)	(فنی و همکاران، ۱۳۹۷) (قادرمرزی و احمدی، ۱۳۹۶)
	افزایش فرصت‌های شغلی در بخش کشاورزی در نواحی پیراشهری (X21)	(قادرمرزی و احمدی، ۱۳۹۶)
	افزایش فرصت‌های شغلی در بخش خدمات در نواحی پیراشهری (X22)	(Bali & Bhatia, 2021) (Heider & Siedentop, 2020) (فنی و همکاران، ۱۳۹۷)
	ایجاد شکاف درآمدی بین ساکنین (X23)	(قادرمرزی و احمدی، ۱۳۹۶)
	افزایش قیمت زمین (X24)	(اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷)

(Kocabas & Dragicevic, 2013) (Bali & Bhatia, 2021)	کاهش سطح کشت محصولات کشاورزی (X25)	
(Gidwani & Upadhy, 2022)	افزایش تنوع کسب و کار در نواحی پیراشهری (X26)	
(Gidwani & Upadhy, 2022)	کاهش بازدهی تولید در اراضی زراعی (X27)	
(Bali & Bhatia, 2021) (اسماعیل زاده و همکاران، ۱۳۹۷)	تغییر شیوه تولید (X28)	
(کریمیان بستانی و همکاران، ۱۳۹۹)	افزایش مشارکت بخش خصوصی در سرمایه گذاری در نواحی پیراشهری (X29)	کالبدی
(سرور و همکاران، ۱۴۰۰)	ارجحیت تأمین مسکن در اراضی نواحی پیراشهری نزد سیاست گذاران (X30)	
(Hlavacek et al, 2019)	ساخت و ساز غیراصولی و غیراستاندارد در نواحی پیراشهری (X31)	
(سرور و همکاران، ۱۴۰۰)	نبود یک دستورالعمل سیاستی مشخص و قابل اتکا برای مدیریت کالبدی نواحی پیراشهری (X32)	
(عنابستانی و فعال جلالی، ۱۴۰۰)	اهمال و اغلب نادیده گرفته شدن تصرف و ساخت و ساز غیررسمی از سوی نهادهای متولی (X33)	
(قادرمرزی و احمدی، ۱۳۹۶)	تخریب مناظر و چشم اندازهای طبیعی نواحی پیراشهری (X34)	
(عنابستانی و فعال جلالی، ۱۴۰۰) (قادرمرزی و احمدی، ۱۳۹۶) (مکانیکی و همکاران، ۱۴۰۰)	احیا و توسعه شبکه معابر (X35)	
(قادرمرزی و احمدی، ۱۳۹۶)	آلودگی محیط های روستایی (X36)	
(قادرمرزی و احمدی، ۱۳۹۶)	افزایش تأسیسات زیربنایی (X37)	
(Yang, 2010)	بهبود زیرساخت های فناوری اطلاعات (X38)	
(Yang, 2010)	بهبود زیرساخت های خدمات مالی (X39)	
(Lundman & Kymalainen, 2023)	افزایش فضاهای مشترک جمعی در نواحی پیراشهری (X40)	
(اسماعیل زاده و همکاران، ۱۳۹۷) (سرور و همکاران، ۱۴۰۰)	تنوع رویکرد سازمان های ذی مدخل نواحی پیراشهری (X41)	سازمانی
(سرور و همکاران، ۱۴۰۰)	وجود داده ها و اطلاعات یکپارچه تصمیم گیری و مدیریتی دستگاه ها و نهادهای ذی مدخلان (X42)	
(سرور و همکاران، ۱۴۰۰)	تفرق مدیریتی بین نهادهای حاکمیتی با نهادهای محلی و عمومی در نواحی پیراشهری (X43)	
(اسماعیل زاده و همکاران، ۱۳۹۷)	مشارکت ذی نفعان و ذی نفوذان در فرایند تصمیم گیری و تصمیم سازی در نواحی پیراشهری (X44)	
(اسماعیل زاده و همکاران، ۱۳۹۷)	نقش پذیری نهادهای محلی در سلسله مراتب مدیریتی در نواحی پیراشهری (X45)	

مدیریت رانتر به عنوان مؤلفه اصلی در نهادینه نشدن رویکرد صیانت در نواحی پیراشهری (X46)	(اسماعیل زاده و همکاران، ۱۳۹۷) (سرور و همکاران، ۱۴۰۰)
خصوصی سازی منابع عمومی (X47)	(سرور و همکاران، ۱۴۰۰) (علی اکبری و همکاران، ۱۴۰۰)
مشارکت درون نهادی در نواحی پیراشهری (X48)	(سرور و همکاران، ۱۴۰۰)
آگاهی و اطلاع رسانی بین نهادی در نواحی پیراشهری (X49)	(سرور و همکاران، ۱۴۰۰)
انسجام و توان جمعی نهادی در نواحی پیراشهری (X50)	(سرور و همکاران، ۱۴۰۰)
استقرار مدیریت یکپارچه نواحی پیراشهری (X51)	(سرور و همکاران، ۱۴۰۰) (علی اکبری و همکاران، ۱۴۰۰)
به کارگیری اصول برنامه های آمایش سرزمین در توسعه نواحی پیراشهری (X52)	(علی اکبری و همکاران، ۱۴۰۰)
وجود نگاه های سیاسی در الحاق نواحی روستایی اطراف شهرها به محدوده های شهری (X53)	(علی اکبری و همکاران، ۱۴۰۰)

یافته های پژوهش

از نرم افزار میک مک و تحلیل ماتریس متقاطع برای استخراج عوامل کلیدی مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل با تأکید بر اقتصادسیاسی فضا استفاده شده و بر اساس نتایج به دست آمده از این نرم افزار (عوامل کلیدی) وضعیت های احتمالی برای ارائه سناریو که از طریق نرم افزار سناریو ویزارد انجام شده تنظیم گردید. ۵۳ عامل به عنوان عوامل مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل شناسایی و با نرم افزار میک مک برای استخراج عوامل اصلی تأثیرگذار بر تحولات کالبدی-فضایی این نواحی اقدام شده است. طبق نتایج به دست آمده از نرم افزار میک مک (شکل ۵)، موقعیت هر یک از متغیرها در میزان اثرگذاری بر کل سیستم (تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل) ارائه شده است. طبق ارزیابی های انجام شده از میان ۱۰۶۸ رابطه ارزیابی شده در این ماتریس ۵۵۴ مورد عدد یک، ۳۵۵ مورد عدد دو و ۱۵۹ مورد عدد سه بودند. همچنین میزان پرشدگی ماتریس نیز ۳۸ درصد بوده است.

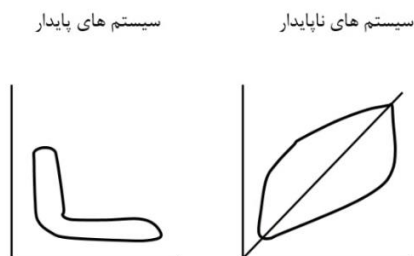
جدول ۲. نتایج نرم افزار میک مک

ردیف	اندازه ماتریس	تعداد					مجموع	درصد پرشدگی
		تکرار	صفرها	یک ها	دو ها	سه ها		
۱	۵۳	۲	۱۷۴۱	۵۵۴	۳۵۵	۱۵۹	۱۰۶۸	۳۸٪

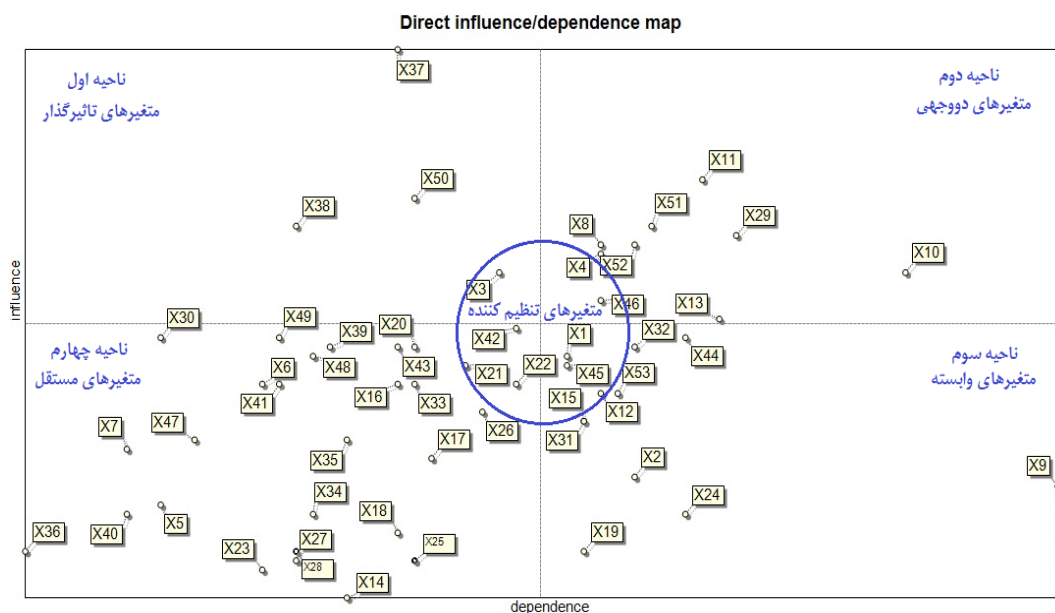
منبع: (محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۲)

میزان پایداری و ناپایداری سیستم از نحوه توزیع و پراکنش متغیرها در صفحه پراکندگی مشخص می شود. در تحلیل اثرات متقابل با نرم افزار میک مک طبق شکل ۴ در مجموع دو نوع پراکنش وجود دارد. در سیستم های پایدار پراکنش متغیرها به صورت حرف L انگلیسی است، یعنی برخی متغیرها دارای تأثیرگذاری زیاد و برخی تأثیرپذیری زیاد هستند. در سیستم های ناپایدار، متغیرها در حول محور قطری صفحه توزیع شده اند و متغیرها در اکثر موقع حالت بینابینی از

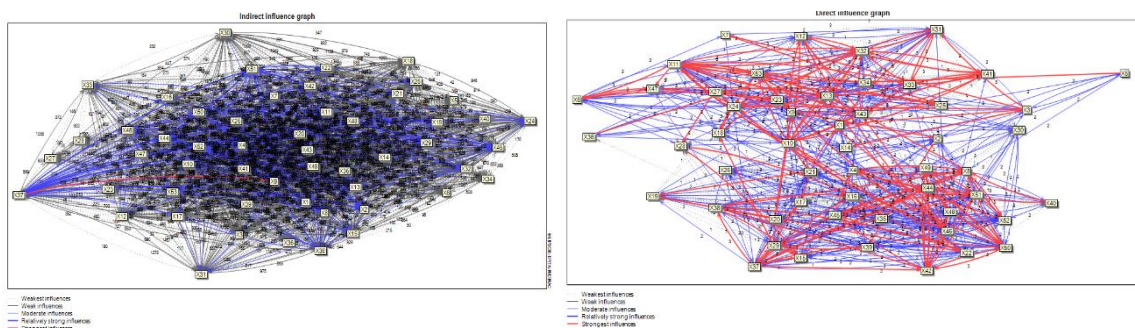
تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را نشان می‌دهند. طبق شکل ۵ اکثر متغیرها در پژوهش حاضر در اطراف محور قطری صفحه پراکنده شده‌اند که نشان از ناپایداری سیستم دارد.



شکل ۴. وضعیت پایداری و ناپایداری سیستم
منبع: (Godet et al, 2003)



شکل ۵. اثرات مستقیم عوامل تعیین کننده تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل
منبع: (محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۲)



شکل ۶. تأثیرات مستقیم بین عوامل و روابط بین آن‌ها

شکل ۷. تأثیرات غیر مستقیم بین عوامل و روابط بین آن‌ها

منبع: (محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۲)

ناحیه اول (پیشران‌های تأثیرگذار یا کلیدی): متغیرهای قرار گرفته در این ناحیه عبارت‌اند از: افزایش تأسیسات زیربنایی؛ بهبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات؛ انسجام و توان جمعی نهادی در نواحی پیراشهری و افزایش مهاجرت‌های روستا-شهری. این‌ها متغیرها یا عواملی هستند که به‌عنوان متغیرهای کلیدی، دارای تأثیرگذاری بالایی بوده و پویایی و ثبات سیستم وابسته به این متغیرها است. بنابراین این متغیرها باید در کانون توجه قرار گیرند.

متغیرهای ناحیه دوم (پیشران‌های دووجهی): متغیرها یا پیشران‌های ناحیه دوم توان زیادی برای قرارگیری در بین عوامل تأثیرگذار یا کلیدی دارند و می‌توانند با تدابیر بهینه در خصوص متغیرها و کل سیستم در آینده با قرار گرفتن در بین عوامل تأثیرگذار، موجب بهبود بیشتر سیستم گردند. این متغیرها به دودسته تقسیم می‌شوند:

- **متغیرهای ریسک:** نگاه سودجویانه بخش‌های دولتی به نواحی پیراشهری؛ استقرار مدیریت یکپارچه نواحی پیراشهری؛ به‌کارگیری اصول برنامه‌های آمایش سرزمین در توسعه نواحی پیراشهری؛ افزایش مشارکت‌های مردمی در نواحی پیراشهری؛ ظرفیت نهادی در نواحی پیراشهری؛ افزایش مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری در نواحی پیراشهری و مدیریت رانتیر به‌عنوان مؤلفه اصلی در نهادینه نشدن رویکرد صیانت در نواحی پیراشهری متغیرهای ریسک سیستم می‌باشند. یعنی ظرفیت بالایی جهت تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم را دارا هستند، زیرا به علت ماهیت ناپایدارشان، پتانسیل تبدیل شدن به نقطه انفعال سیستم را دارند.

- **متغیرهای هدف:** مشخص نبودن هزینه و منافع استقرار فعالیت در نواحی پیراشهری و زمین‌خواری و تصرف اراضی نواحی پیراشهری به‌واسطه زمین به‌عنوان عامل ثروت متغیرهای هدف در سیستم می‌باشند. این متغیرها بیش از آنکه تأثیرگذار باشند، تأثیرپذیر بوده و می‌توان آن را با اطمینان بالایی، به‌عنوان نتیجه تکامل سیستم دانست و با تغییر وضعیت این متغیرها، می‌توان به تکامل و بهبود سیستم در راستای اهداف موردنظر دست یافت.

متغیرهای ناحیه سوم (پیشران‌های وابسته یا نتیجه): متغیرهای این بخش عبارت‌اند از: افزایش جمعیت روستاهای مستقر در نواحی پیراشهری؛ افزایش اشتغال زنان و کودکان در نواحی پیراشهری؛ افزایش سرمایه‌گذاری در خدمات مولد و کارآفرینی؛ ضعف بنیان‌های تحلیلی در تعیین نوع فعالیت‌های بهره‌ور در نواحی پیراشهری؛ مسئله فقر و پایین بودن سطح سنجه‌های توسعه در نواحی پیراشهری؛ افزایش درآمد ساکنین نواحی پیراشهری؛ افزایش قیمت زمین؛ نبود یک دستورالعمل سیاستی مشخص و قابل‌اتکا برای مدیریت کالبدی نواحی پیراشهری؛ ساخت‌وساز غیراصولی و غیراستاندارد در نواحی پیراشهری؛ مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در نواحی پیراشهری؛ نقش‌پذیری نهادهای محلی در سلسله‌مراتب مدیریتی در نواحی پیراشهری و وجود نگاه‌های سیاسی در الحاق نواحی روستایی اطراف شهرها به محدوده‌های شهری. ضعف در پیشران‌های اصلی تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل می‌تواند منجر به تضعیف متغیرهای وابسته شده و باعث وقوع نتایج منفی شوند چراکه این متغیرهای وابسته یا نتیجه، تأثیرپذیر بوده و وضعیت آن‌ها وابستگی زیادی به تغییر در متغیرهای دووجهی و تأثیرگذار (نواحی ۱ و ۲) دارد و این متغیرها خروجی سیستم محسوب می‌شوند.

متغیرهای ناحیه چهارم (پیشران‌های مستقل): افزایش فرصت‌های شغلی در بخش خدمات در نواحی پیراشهری؛ وجود داده‌ها و اطلاعات یکپارچه تصمیم‌گیری و مدیریتی دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌مدخلان؛ افزایش فرصت‌های شغلی در بخش کشاورزی در نواحی پیراشهری؛ افزایش تنوع کسب‌وکار در نواحی پیراشهری؛ افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع دامی و کشاورزی؛ کاهش سطح کشت محصولات کشاورزی؛ اهمال و اغلب نادیده گرفته شدن تصرف و

ساخت‌وساز غیررسمی از سوی نهادهای متولی؛ تفرق مدیریتی بین نهادهای حاکمیتی با نهادهای محلی و عمومی در نواحی پیراشهری؛ افزایش فرصت‌های شغلی در بخش صنعت در نواحی پیراشهری؛ بهبود زیرساخت‌های خدمات مالی؛ مشارکت درون‌نهادی در نواحی پیراشهری؛ افزایش استقرار شرکت‌های دانش‌بنیان و مراکز رشد در نواحی پیراشهری؛ احیا و توسعه شبکه معابر؛ تخریب مناظر و چشم‌اندازهای طبیعی نواحی پیراشهری؛ افزایش خرید و فروش زمین‌های زراعی و باغی؛ افزایش سرمایه‌گذاری در خرید و فروش مسکن؛ تغییر شیوه تولید؛ کاهش بازدهی تولید در اراضی زراعی؛ ایجاد شکاف درآمدی بین ساکنین؛ ارجحیت تأمین مسکن در اراضی نواحی پیراشهری نزد سیاست‌گذاران؛ خصوصی‌سازی منابع عمومی؛ تغییر سبک زندگی؛ تغییرات دائم در ترکیب جمعیتی نواحی پیراشهری؛ افزایش فضاهای مشترک جمعی در نواحی پیراشهری؛ آلودگی محیط‌های روستایی؛ حذف طبقه متوسط و فرودست جامعه در نواحی پیراشهری؛ تنوع رویکرد سازمان‌های ذی‌مدخل نواحی پیراشهری و آگاهی و اطلاع‌رسانی بین‌نهادی در نواحی پیراشهری. متغیرهای مستقل به‌عنوان متغیرهای کم تأثیر در تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل محسوب می‌شوند زیرا ارتباط، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری چندانی با سایر پیشران‌ها ندارند و نه مانع متغیرهای اصلی و نه باعث تکامل و پیشرفت یک متغیر در سیستم می‌شوند.

در پژوهش حاضر با توجه به اینکه هدف، شناسایی مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده و تأثیرگذار در تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل است، از متغیرهای تأثیرگذار (به دلیل اینکه تأثیرگذارترین عوامل هستند)، متغیرهای ریسک (به دلیل اینکه پتانسیل بالایی برای قرارگیری در بین متغیرهای اثرگذار سیستم دارند) و متغیرهای تنظیمی (که قابلیت تبدیل به متغیرهای ریسک و اهداف ثانویه را دارند) به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده استفاده می‌شوند که مجموع آن‌ها ۱۶ عامل کلیدی است.

بعد از مشخص شدن مهم‌ترین عوامل، وضعیت‌های مختلفی (حالات احتمالی مربوط به عوامل کلیدی) درباره تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل با رویکرد اقتصاد سیاسی فضا را در برمی‌گیرد. تعداد این وضعیت‌ها متناسب با شرایط هر یک از عوامل طراحی شده است. درواقع این وضعیت‌های مربوط به هر یک از عوامل به‌عنوان چشم‌انداز وضعیت کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل مطرح و احتمال وقوع داشته باشند. درنهایت ۳۶ وضعیت احتمالی برای آینده تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل با رویکرد اقتصاد سیاسی فضا ترسیم شد که از این تعداد ۱۵ وضعیت احتمالی مطلوب؛ ۸ وضعیت احتمالی ایستا و ۱۳ وضعیت احتمالی بحرانی هستند. با مشخص شدن وضعیت‌های احتمالی، پرسشنامه‌ای به‌صورت ماتریس اثرات متقابل طراحی و در اختیار کارشناسان قرار گرفت. جدول شماره ۳ عوامل کلیدی، وضعیت‌های احتمالی و وضعیت هر یک از آن‌ها را نشان می‌دهد.

بررسی سناریوهای آینده تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل با رویکرد اقتصاد سیاسی فضا

وضعیت احتمالی برای ۱۶ عامل کلیدی مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل متصور می‌باشد (جدول شماره ۳). سناریوهای ارائه‌شده توسط نرم‌افزار سناریوویزارد، ۳۵ سناریو بود که از این تعداد ۵ مورد آن دارای اعتبار و با سازگاری بالا می‌باشد. از بین این ۵ مورد نیز سناریو اول و سناریو پنجم سناریوهای با بالاترین امتیاز سازگاری هستند که سناریو اول شرایط مطلوب و سناریوی پنجم شرایط بحرانی برای آینده تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل را نشان می‌دهد (جدول شماره ۴). جدول شماره ۵ نیز ارزش سازگاری مربوط به عوامل کلیدی را

نشان می‌دهد. طبق نتایج به‌دست آمده، نگاه آمایشی و استقرار فعالیت‌های مولد و افزایش بهره‌وری در حوزه‌های مختلف در نواحی پیراشهری در قالب یک طرح کلان مانع از نگاه سودجویانه بخش‌های دولتی به نواحی پیراشهری خواهد شد (E1)، بیشترین ارزش سازگاری را در بین دیگر عوامل کلیدی داراست.

جدول ۳. عوامل کلیدی و وضعیت‌های احتمالی عوامل تعیین‌کننده تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل

عوامل کلیدی	وضعیت‌های احتمالی	وضعیت	اختصار
افزایش تأسیسات زیربنایی	با رعایت اصول آمایش سرزمین و طرح‌های جامع ناحیه‌ای به اجرای شهرسازی قبل از شهرنشینی اقدام خواهد شد و افزایش تأسیسات زیربنایی بر اساس آمایش سرزمین و طرح‌های منطقه‌ای با در نظر گرفتن موضوعات کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی خواهد بود.	مطلوب	A1
	با افزایش جمعیت روستاهای حاشیه شهرها و همچنین سکونتگاه‌های غیررسمی نارسائی‌های زیادی در تأسیسات زیربنایی در نواحی پیراشهری به وجود خواهد آمد.	بحرانی	A2
بهبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات	در صورت برنامه‌ریزی و ساماندهی وضعیت نواحی پیراشهری و استقرار فعالیت‌های مولد وضعیت زیرساختی فناوری اطلاعات بهبود می‌یابد.	مطلوب	B1
	ادامه روند فعلی با ضعف در زیرساخت‌های فناوری اطلاعات	ایستا	B2
انسجام و توان جمعی نهادی در نواحی پیراشهری	انسجام نهادهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در اتخاذ و اجرای سیاست‌های کلان در نواحی پیراشهری در نيل به اصول آمایش سرزمین و توسعه پایدار	مطلوب	C1
	عدم هماهنگی و انسجام بین نهادها منجر به اتخاذ رویکرد جزیره‌ای و تک‌بعدی می‌شود و باعث نامطلوب شدن وضعیت نواحی پیراشهری و آتروپی آن خواهد شد.	بحرانی	C2
افزایش مهاجرت‌های روستا-شهری	ساماندهی نواحی پیراشهری براساس اصول آمایش سرزمین و طرح‌های ناحیه‌ای مانع از شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی، مشاغل کاذب و تخریب محیط‌زیست شده و مهاجرت‌های صورت گرفته روستا-شهری می‌تواند کنترل شود.	مطلوب	D1
	عدم توجه به وضعیت نواحی پیراشهری و عدم کنترل کاربری اراضی و عدم برنامه‌ریزی‌های کلان باعث شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی، تخریب محیط‌زیست و عدم استقرار فعالیت‌های مولد در سایه افزایش مهاجرت‌های روستا-شهری خواهد شد.	بحرانی	D2
نگاه سودجویانه بخش‌های دولتی به نواحی پیراشهری	نگاه آمایشی و استقرار فعالیت‌های مولد و افزایش بهره‌وری در حوزه‌های مختلف در نواحی پیراشهری در قالب یک طرح کلان مانع از نگاه سودجویانه بخش‌های دولتی به نواحی پیراشهری خواهد شد.	مطلوب	E1
	نگاه سودجویانه بخش‌های دولتی به نواحی پیراشهری باعث از دست رفتن فرصت‌های خلق ارزش در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدمات خواهد شد و وضعیت نواحی پیراشهری را مراتب بدتر از حال و گذشته خواهد نمود.	بحرانی	E2
استقرار مدیریت یکپارچه نواحی پیراشهری	مدیریت یکپارچه نواحی پیراشهری مقدمه‌ای برای اجرای تمام متغیرهای تأثیرگذار در تحولات نواحی پیراشهری است که با استقرار این سیستم شاهد رصد یکپارچه اطلاعات روستا-شهری؛ مدیریت مهاجرت‌ها؛ شناخت دقیق مسائل و مشکلات نواحی پیراشهری؛ رفع سریع چالش‌ها با دخیل نمودن ذی‌نفعان مردمی، دولتی و بخش خصوصی و... خواهیم بود.	مطلوب	F1
	ادامه روند فعلی صرفاً با نگاه مدیریت کالبدی در محدوده حریم شهری	ایستا	F2
	پیچیده‌تر شدن مسائل و مشکلات نواحی پیراشهری و عدم توانایی حل آن‌ها در سایه جزیره‌ای شدن نهادها و سازمان‌های ذی‌مدخل	بحرانی	F3

G1	مطلوب	اجرای اصول آمایش سرزمین منجر به مدیریت کلان سکونتگاه‌های انسانی و نگاه سیستمی به روستا-پیراشهر-شهر در جهت دستیابی به برنامه‌ریزی مطلوب کالبدی-فضایی در پهنه سرزمین.	به‌کارگیری اصول برنامه‌های آمایش سرزمین در توسعه نواحی پیراشهری
G2	ایستا	عدم توجه به اصول برنامه‌های آمایش سرزمین و نگاه سلیقه‌ای و درون‌سازمانی نسبت به نواحی پیراشهری	
H1	مطلوب	پیاده‌سازی حکمروایی شایسته با سهیم کردن مردم در مدیریت نواحی پیراشهری	افزایش مشارکت‌های مردمی در نواحی پیراشهری
H2	ایستا	مشارکت مردمی در سطح آگاه شدن و اطلاع‌رسانی	
H3	بحرانی	مردم امکان مشارکت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نخواهند داشت	
I1	مطلوب	ظرفیت نهادهای به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین رهیافت‌های توسعه محلی می‌تواند جزو اصلی‌ترین اهرم‌های سیاست‌گذاری و اجرایی قرار گرفته و موجب تحقق توسعه پایدار نواحی پیراشهری شود.	ظرفیت نهادهای نواحی پیراشهری
I2	بحرانی	عدم ظرفیت‌سازی نهاد منجر به تفرق نهادهای دولتی، عمومی و اجتماعات محلی شده و منابع این نهادها در راستای ایفای نقش مهم در تحقق توسعه پایدار نواحی پیراشهری به کار گرفته نشود.	
J1	مطلوب	نقش‌آفرینی بخش خصوصی با سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد و کارآفرینی در بخش‌های مختلف اقتصادی علاوه برافزایش اشتغال، افزایش درآمد ساکنین و... این نواحی، منجر به استفاده صحیح از زمین‌های نواحی پیراشهری شده که مانع ایجاد نگاه‌های سوداگرانه به این منطقه و از دست رفتن فرصت‌های خلق ارزش شود.	افزایش مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری در نواحی پیراشهری
J2	ایستا	ادامه روند فعلی با سرمایه‌گذاری‌های پراکنده بخش خصوصی در نواحی پیراشهری با انجام فعالیت‌های با بهره‌وری پایین	
J3	بحرانی	ورود بخش خصوصی با نگاه سوداگرانه به نواحی پیراشهری و انجام خریدوفروش زمین (احتکار زمین توسط بخش خصوصی)	
K1	مطلوب	تقویت نهادهای مردمی و تسهیل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فعالیت‌های مولد و کارآفرینی در نواحی پیراشهری، هدایت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زا، برنامه‌ریزی از پایین به بالا و... از عواملی است که می‌تواند مانع از رانتی شدن مدیریت محلی در نواحی پیراشهری شود.	مدیریت رانتیر به‌عنوان مؤلفه اصلی در نهادینه نشدن رویکرد صیانت در نواحی پیراشهری
K2	بحرانی	مدیریت رانتیر در سطح محلی با استقلال از مردم و بعضاً حتی از دولت، مستقل از پاسخگویی، شکل‌گیری سیستم‌های سازمانی فربه، انحراف بودجه از اهداف منفعت عمومی، ضعف نهادهای مردمی و... باعث کالایی شدن فضاهای پیراشهری صرفاً برای کسب سود، عدم اجرای قوانین شهرسازی، کژکارکردی در فضاهای پیراشهری و هدایت سرمایه‌ها به بخش املاک و مستغلات (شکل‌گیری رفتارهای سوداگرانه) می‌شود.	
L1	بحرانی	افزایش جمعیت روستاهای نواحی پیراشهری باعث شکل‌گیری نگاه‌های سیاسی برای الحاق این محدوده‌ها به شهر شده و همچنین باعث ایجاد سوداگری و احتکار زمین با امید به اینکه این نواحی جزو محدوده شهر خواهد شد شکل می‌گیرد.	افزایش جمعیت روستاهای مستقر در نواحی پیراشهری
L2	بحرانی	افزایش جمعیت روستاهای نواحی پیراشهری که بعضاً با ایجاد خانه‌های دوم و احداث محدثات غیرمولد و ارزش‌آفرین، باعث تسریع در خزش شهری شده که به‌نوعی شهرنشینی نااندیشیده و لجام‌گسیخته را در آینده رقم می‌زند.	
M1	مطلوب	توسعه فعالیت‌های مولد و استقرار شرکت‌های دانش‌بنیان و نوپا در نواحی پیراشهری و تبدیل به هاب نوآوری و کارآفرینی شهری	افزایش سرمایه‌گذاری در خدمات مولد و کارآفرینی
M2	ایستا	ادامه روند فعلی باوجود نگاه‌های سوداگرانه و ضعف بنیان‌های تحلیلی در تعیین نوع فعالیت‌های بهره‌ور در نواحی پیراشهری باعث عدم سرمایه‌گذاری در خدمات مولد و کارآفرینی در این نواحی خواهد شد.	

N1	مطلوب	ترکیب بخش کشاورزی و ایجاد صنایع تبدیلی و همچنین تسهیل استقرار خدمات نوآورانه و دانش‌بنیان مرتبط با کشاورزی علاوه بر افزایش فرصت‌های شغلی در این بخش منجر به حرکت به سمت توسعه پایدار نواحی پیراشهری خواهد شد.	افزایش فرصت‌های شغلی در بخش کشاورزی در نواحی پیراشهری
N2	بحرانی	سوداگری زمین و عدم توجه به استقرار فعالیت‌های بهره‌ور باعث از دست رفتن زمین‌های کشاورزی، فرصت‌های شغلی موجود در این بخش و همچنین تهدید امنیت غذایی شهروندان خواهد شد.	
O1	مطلوب	با استقرار مدیریت یکپارچه نواحی پیراشهری و تجمع اطلاعات و داده‌ها جهت انجام مدیریت سیستمی باعث اتخاذ تصمیم‌های منطقی با در نظر گرفتن منفعت عمومی و لحاظ نمودن ظرفیت‌های زیست‌محیطی منطقه و افزایش بهره‌وری فعالیت‌ها خواهد شد.	وجود داده‌ها و اطلاعات یکپارچه تصمیم‌گیری و مدیریتی دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌مدخلان
O2	ایستا	پراکندگی داده‌ها و نگاه جزیره‌ای منجر به عدم شکل‌گیری یکپارچه داده‌ها و اطلاعات در راستای تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها می‌شود	
P1	مطلوب	تقویت نهادهای محلی به‌عنوان واسطه بین مردم و دولت و افزایش نفوذ این نهادها در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها درباره نواحی پیراشهری و همچنین تفویض اختیارات و قدرت لازم در اتخاذ و اجرای برنامه‌ها و اقدامات (برنامه‌ریزی از پایین به بالا)	نقش‌پذیری نهادهای محلی در سلسله‌مراتب مدیریتی در نواحی پیراشهری
P2	ایستا	نقش‌پذیری نهادهای محلی صرفاً در حد آگاهی و اطلاع از نحوه تصمیمات و برنامه‌ها و اجرای آن‌ها	
P3	بحرانی	تلقی نهادهای محلی و به‌ویژه نهادهای مردمی به‌عنوان رقیب دولت در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها و کاهش دخالت مردم در سرنوشت خود	

منبع: (تحقیق حاضر، ۱۴۰۲)

سناریوی اول دارای شرایط مطلوب است که به‌غیر از یک مورد تمامی وضعیت‌های احتمالی آن مطلوب هست، سناریوی دوم نیز یک مورد وضعیت بحرانی و ۱۵ مورد وضعیت مطلوب دارد، سناریو سوم دارای ۷ مورد وضعیت مطلوب، ۵ مورد وضعیت بحرانی و ۴ مورد وضعیت ایستا است. سناریوی چهارم و پنجم دارای ۱۲ مورد وضعیت بحرانی و ۴ مورد وضعیت ایستا هستند.

جدول ۴. سناریوهای با سازگاری قوی در آینده تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل

سناریوی اول	سناریوی دوم	سناریوی سوم	سناریوی چهارم	سناریوی پنجم
A1	A1	A1	A2	A2
B1	B1	B1	B2	B2
C1	C1	C1	C2	C2
D1	D1	D1	D2	D2
E1	E1	E2	E2	E2
F1	F1	F1	F3	F3
G1	G1	G1	G2	G2
H1	H1	H2	H3	H3
I1	I1	I2	I2	I2
J1	J1	J2	J3	J3
K1	K1	K2	K2	K2
L1	L2	L1	L1	L2
M1	M1	M2	M2	M2
N1	N1	N2	N2	N2
O1	O1	O1	O2	O2
P1	P1	P2	P3	P3

منبع: (محاسبات تحقیق حاضر، ۱۴۰۲)

نگاه آمایشی و استقرار فعالیت‌های مولد و افزایش بهره‌وری در حوزه‌های مختلف در نواحی پیراشهری در قالب یک طرح کلان مانع از نگاه سودجویانه بخش‌های دولتی به نواحی پیراشهری خواهد شد، بالاترین امتیاز سازگاری را دارد. همچنین در رده دوم نیز باید تقویت نهادهای مردمی و تسهیل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فعالیت‌های مولد و کارآفرینی در نواحی پیراشهری، هدایت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زا، برنامه‌ریزی از پایین به بالا و... از عواملی است که می‌تواند مانع از رانتی شدن مدیریت محلی در نواحی پیراشهری شود، مورد توجه جدی قرار گیرند زیرا از عوامل اصلی تقویت و تضعیف وضعیت کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل می‌باشند.

جدول ۵. ارزش سازگاری مربوط به عوامل کلیدی در آینده تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل

رتبه	عوامل کلیدی	ارزش سازگاری	رتبه	عوامل کلیدی	ارزش سازگاری
۱	E1	۶۶	۹	M1	۴۹
۲	K1	۵۹	۱۰	G1	۴۷
۳	O1	۵۷	۱۱	A1	۴۱
۴	C1	۵۵	۱۲	J1	۴۰
۵	D1	۵۴	۱۳	B1	۳۷
۶	N1	۵۳	۱۴	P1	۲۹
۷	F1	۵۱	۱۵	H1	۲۷
۸	I1	۵۰	۱۶	L1	۳

منبع: (محاسبات تحقیق حاضر، ۱۴۰۲)

از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تحولات نواحی پیراشهری رشد اقتصادی، افزایش جمعیت (افزایش مهاجرت‌های روستا-شهری)، گسترش حمل‌ونقل و ارتباطات، تکنولوژی و ساختار اشتغال می‌باشند (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۹) که در نتایج پژوهش با توجه به خروجی نرم‌افزار میک مک ۴ عامل افزایش تأسیسات زیربنایی؛ بهبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات؛ انسجام و توان جمعی نهادی در نواحی پیراشهری و افزایش مهاجرت‌های روستا-شهری به عنوان متغیرهای کلیدی و تأثیرگذار مطرح می‌باشند و باید در برنامه‌ریزی‌های مربوط به نواحی پیراشهری اردبیل این موارد را در اولویت تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها قرار داد تا شاهد تحولات مثبت در این نواحی باشیم.

رواج سوداگری زمین بیشتر محصول سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی و مدیریتی است و به نوعی نقش اقتصاد سیاسی در این امر بسیار آشکار و مهم می‌باشد، همچنین سیستم مدیریتی و نظارتی نیز می‌تواند با نقش خود در افزایش ظرفیت نهادی به گونه‌ای که علاوه بر افزایش فرصت برای ابتکارات شخصی باعث تسهیل فعالیت افراد، سازمان‌ها و نهادها در مسیر حداکثر سازی منافع برای همگان مؤثر واقع شود. در رابطه با این امر متغیرهای ریسک که پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به متغیرهای تأثیرگذار دارند می‌توان گفت که سوداگری زمین، مدیریت یکپارچه نواحی پیراشهری، اصول آمایش سرزمین، مشارکت مردم، ظرفیت نهادی و مدیریت رانتیر مهم‌ترین عواملی هستند که باید کنترل و مورد توجه جدی قرار گیرند چون بخش مهمی از تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل وابسته به این عوامل است.

هرگونه تحولات مثبت و منفی عوامل کلیدی مستقیماً باعث تغییر در وضعیت متغیرهای وابسته می‌شود. متغیرهای وابسته که در این پژوهش ۱۲ مورد می‌باشند از جمله موارد مربوط به مسئله درآمد ساکنین نواحی پیراشهری، فقر، مشارکت، قیمت زمین، میزان سرمایه‌گذاری، ساخت‌وسازهای غیراصولی و نقش‌پذیری نهادهای محلی تحت تأثیر متغیرهای کلیدی هستند به‌نوعی که هرگونه تغییر در وضعیت متغیرهای پیشران می‌تواند ۱۲ عامل مهم را نیز با خود همراه کند و لازم است تا تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری به‌دقت تنظیم و برنامه‌ریزی شود تا شاهد تحولات مثبت در حوزه‌های اجتماعی، مدیریتی، اقتصاد و کالبدی آن باشیم.

با توجه به خروجی نرم‌افزار میک مک ۲۸ متغیر در دسته متغیرهای مستقل قرار گرفتند که این متغیرها به‌نوعی تأثیرپذیری و تأثیرگذاری کمتری دارند و در اولویت‌های بعدی برنامه‌ریزی‌های مربوط به نواحی پیراشهری هستند.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی شد تا با استفاده از رویکرد اقتصاد سیاسی فضا به آینده تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل نگاه کرد. فضا به‌عنوان یک مقوله‌ای که دائماً در حال تولید بوده و امری خنثی نیست، امری سیاسی و آمیخته با قدرت هست. بر اساس آموزه‌های اقتصاد سیاسی فضا، هر ایدئولوژی اقتصادی و هر فلسفه سیاسی، فضای جغرافیایی خاص خود را می‌آفریند. در اقتصاد سیاسی فضا، تولید، مبادله و مصرف فضا مورد توجه است. نتایج بیانگر آن است که در کشورهای که دارای اقتصاد رانتی، منابع طبیعی باعث افزایش رانت‌های اقتصادی می‌شوند و عملاً تولید فضا در چارچوب رانت و اقتصاد برگرفته از آن است. این مسئله بر سازمان‌یابی فضایی شهرها به‌عنوان اصلی‌ترین محل تجمع ثروت و قدرت تأثیر گذاشته و شهرها تبدیل به فضاهای قدرت سیاسی و اقتصادی می‌شوند. نواحی پیراشهری به‌عنوان یکی از فضاهایی مطرح است که در معرض بیشترین تغییرات و تحولات گسترده کالبدی-فضایی قرار دارد. همواره شهر خواهان به‌چنگ آوردن و دسترسی به نواحی اطراف خود بوده است و بنابراین گستردگی شهری، تأمین نیازها، دسترسی‌پذیری، سودجویی و... باعث خلق فضاهای پیراشهری شده است. البته در کنار این عوامل افزایش جمعیت، رشد اقتصادی، رشد فناوری، تغییرات در ساختار اشتغال و تولید و... نیز باعث تسریع و تغییر در خلق این فضاها شده است.

تحولات فضایی-کالبدی نواحی پیراشهری اردبیل زائیده نظام اقتصاد سیاسی است به‌طوری که گروه‌های قدرتمند و مسلط بر منابع، می‌توانند با هژمونی سیاسی و اجتماعی خود و از طریق ایجاد شبکه‌های ارتباطی بنیان‌های نواحی پیراشهری را بدون در نظر گرفتن منافع عمومی و مبتنی بر اقتصاد بازار دچار تغییر و تحول نمایند. ضعف در مشارکت‌های مردمی به دلیل حاکم بودن نگاه اقتصاد سیاسی، ضعف در انسجام نهادی و جزیره‌ای عمل نمودن دستگاه‌های متولی و ناهم‌سویی نهادهای غیررسمی با سیاست‌ها و برنامه‌ها در اثر وجود نظام غیردموکراتیک و رانتی که هر دو این عوامل بر اساس نتایج پژوهش جزو متغیرهای کلیدی می‌باشند به‌خاطر حاکم بودن نظام اقتصاد سیاسی است. از پیامدهای این وضعیت در آینده واگرایی بخش خصوصی، بخش دولتی و بخش عمومی در تأثیرگذاری بر ساختار کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل هست که منجر به آشفتگی و ناموزونی ساختار کالبدی-فضایی آن خواهد شد و مجدداً شاهد ایجاد نابرابری فضایی جدید در این نواحی خواهیم بود.

یکی از موارد دیگری که در رویکرد اقتصاد سیاسی فضا مطرح هست این است که شهر سرمایه‌داری با افزایش قیمت

خدمات شهری (گران‌سازی شهر) و کاهش یارانه‌های دولتی باعث کوچ طبقات فقیر و کم‌درآمد به حاشیه شهرها می‌شود و باعث ایجاد نابرابری فضایی و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی می‌شود. شهر سرمایه‌داری با خارج کردن طبقات پایین به نواحی پیرامونی همراه با زیرساخت‌های نامناسب، آن‌ها را از داشتن یک کیفیت زندگی مناسب محروم نموده و مانع از مشارکت سیاسی آن‌ها در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها برای سرنوشت شهر می‌شوند. ضعف در تأسیسات زیربنایی در نواحی پیراشهری که ساکنان آن را از داشتن یک زندگی حداقلی محروم می‌کند در سایه رویکرد اقتصاد سیاسی اتفاق می‌افتد. هر چه نفوذ بخش‌های مختلف به‌ویژه بخش غیردولتی و خصوصی در فرایندهای اجتماعی، مدیریتی، کالبدی و اقتصادی نواحی پیراشهری بیشتر باشد حرکت به سمت پایداری و انسان‌محور بودن توسعه پایدار اتفاق افتاده و شاهد ظرفیت‌سازی برای جذب و پذیرش نیروهای جدید در سازمان مدیریتی این فضاها با اتکا به رویکرد حکمروایی شایسته و ایجاد هم‌افزایی بین گروه‌ها و کنشگران مختلف خواهیم بود. ظرفیت نهادی در نواحی پیراشهری که یکی از عوامل کلیدی استخراج‌شده می‌باشد از عوامل مهم ایجاد وفاق همگانی و جلوگیری از تفرق بین بخش‌های دولتی، خصوصی و عمومی در دستیابی به توسعه پایدار در نواحی پیراشهری اردبیل می‌باشد.

قدرت و حاکمیت سیاسی با تشکیل گروه‌ها و نهادهای اقتصادی نظام انباشت وابسته به خویش، با انجام مداخلات در فرایند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، کنترل و نظارت با عناوین حفاظت از محیط‌زیست، پروژه‌های توسعه محور و ... انباشت سرمایه را از طریق سلب مالکیت، کالایی کردن فضا و نظام رانتی در نواحی پیراشهری محقق می‌کنند. این وضعیت نشان‌دهنده وجود نگاه اقتصاد سیاسی در بدنه مدیریتی و حاکمیتی است که بر اساس نتایج این پژوهش نیز مدیریت رانتی به‌ویژه در سطح محلی به‌عنوان یکی از پیشران‌های مهم در تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل در صورت عدم تقویت نهادهای مردمی و تسهیل سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در فعالیت‌های مولد و کارآفرینی باعث عدم پاسخگویی مدیریت محلی، شکل‌گیری سیستم‌های سازمانی فربه و درنهایت تبدیل فضاهای پیراشهری به محلی برای کسب سود و رونق رفتارهای سوداگرانه می‌شود. درواقع فضاهای پیراشهری می‌توانند ابزاری برای تحقق مکانیسم انباشت سرمایه اقتصادی در بخش املاک و مستغلات شوند که این نیز از طریق سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، سیاسی و فضایی که فرایند خصوصی‌سازی منابع عمومی را افزایش داده و مدیریت نواحی پیراشهری را که یک امر دانش‌بنیان است دور کند و باعث ایجاد آشفتگی‌ها و اغتشاشات فضایی-کالبدی نواحی پیراشهری شود. با توجه به رویکرد اقتصاد سیاسی فضا، در نواحی پیراشهری اردبیل به‌نوعی چرخه تولید، مبادله و مصرف رفته‌رفته از دسترس عموم خارج‌شده و با روش‌های مختلف سلب مالکیت و شهری شدن رانت در اختیار برخی گروه‌های صاحب قدرت قرار گیرد و بدین طریق علاوه بر هدر رفت منابع محیطی باعث تشدید شکاف‌های اجتماعی-فضایی گردد.

با توجه به بی‌ثباتی‌های اقتصادی در سطح کلان و روان شدن سرمایه‌ها به سمت شهرها باعث می‌شود که املاک و مستغلات به‌عنوان اهداف اولیه سرمایه‌گذاری‌های شهری انتخاب شوند و به تدریج این سرمایه‌ها برای انباشت مجدد سرمایه به سمت نواحی پیراشهری حرکت کنند. در فرایند چرخه و انباشت سرمایه در بخش املاک و مستغلات نواحی پیراشهری به دلیل حضور و نفوذ بازیگران و فعالان زمین و مسکن در عرصه تصمیم‌گیری برای فضاهای پیراشهری باعث اتخاذ رویکرد رشد و توسعه ناپایدار شهری و افزایش تقاضا برای سرمایه‌گذاری در بخش غیرمولد و رانتی زمین‌های پیراشهری منجر به گسترش فراینده ساخت‌وسازهای غیراصولی در این مناطق می‌شود. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش

متغیر ساخت‌وسازهای غیراصولی و غیراستاندارد در نواحی پیراشهری اردبیل به‌عنوان متغیر وابسته دقیقاً نشانگر همین موضوع است که این عامل وابسته به متغیرهای تأثیرگذار همچون عدم مشخص بودن هزینه و منافع استقرار فعالیت‌های مختلف در نواحی پیراشهری، عدم استقرار مدیریت یکپارچه نواحی پیراشهری، عدم به‌کارگیری اصول آمایش سرزمین، ضعف در مشارکت‌های مردمی، ضعف در توان و انسجام نهادی، ضعف در مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های مولد و کارآمد در نواحی پیراشهری و همچنین وجود مدیریت رانتیر می‌باشد.

براین اساس در سایه نگاه سودجویانه بخش‌های دولتی به فضاها، پیراشهری و تسهیل هدایت سرمایه‌ها به سمت املاک و مستغلات و شکل‌گیری رفتارهای سوداگرانه، شاهد عدم سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد، افزایش فعالیت‌های خدماتی، رشد ارزش زمین، رشد ناموزون کالبدی شهرها، افزایش جمعیت روستاهای پیرامونی، شکل‌گیری نابرابری فضایی، نفوذ بازیگران دولتی و خصوصی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به نواحی پیراشهری اردبیل، تغییر نقش و کارکرد نواحی پیراشهری که از عوامل اصلی نتایج حاصل از پژوهش هستند خواهیم بود.

از بین ۱۶ عامل کلیدی و مهم به‌دست‌آمده در چهارچوب مکتب اقتصادسیاسی فضا افزایش مهاجرت‌های روستا-شهری، نگاه سودجویانه بخش‌های دولتی به نواحی پیراشهری و مدیریت رانتیر با نتایج اسماعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) همسو می‌باشد. در رابطه با اینکه اقتصادبازار در راستای سیاست‌های جهانی‌سازی اقتصاد توسط شهرهای جهان‌سومی حرکت می‌کند باعث ایجاد فضاها، انحصاری و خصوصی و تولید ارزش اضافی از طریق کالایی‌سازی زمین شده است در همین راستا نگاه سودجویانه دولت به نواحی پیراشهری، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در نواحی پیراشهری، مدیریت رانتیر، ضعف در ظرفیت‌های نهادی همسو با نتایج پژوهش برهانی و همکاران (۱۳۹۶) می‌باشد. رشد فناوری اطلاعات و استقرار شرکت‌های دانش‌بنیان در نواحی پیراشهری یکی از مهم‌ترین عوامل کلیدی در تحولات مربوط به این نواحی موردتوجه می‌باشد که این امر نیز با پژوهش (Hlavacek et al, 2019) همسو می‌باشد. از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در گسترش نواحی پیراشهری ایفای نقش دولت است. دولت می‌تواند با قوانین سختگیرانه تری نسبت به سایر فضاها، شهری و روستایی و انجام مداخلات شایسته در این نواحی هم باعث ساماندهی و ایجاد فعالیت‌های بهره‌ور و مولد شود و هم از شکل‌گیری نگاه سوداگر به این نواحی جلوگیری کند. عوامل کلیدی به‌دست‌آمده همچون نگاه سوداگر دولت به این نواحی، استقرار مدیریت یکپارچه نواحی پیراشهری و به‌کارگیری اصول برنامه‌های آمایش سرزمین همسو با نتایج پژوهش علی‌اکبری و همکاران (۱۴۰۰) می‌باشد.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به دو سؤال مهم‌ترین پیشران‌های مؤثر بر آینده وضعیت مناطق پیراشهری اردبیل در ابعاد کالبدی-فضایی کدام‌اند؟ و مهم‌ترین سناریوهای احتمالی برای آینده نواحی پیراشهری اردبیل در چه شرایطی قرار دارند؟ هست. در رابطه با سؤال اول بر اساس خروجی‌های نرم‌افزار میک مک ۴ عامل افزایش تاسیسات زیربنایی؛ بهبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات؛ انسجام و توان جمعی نهادی در نواحی پیراشهری و افزایش مهاجرت‌های روستا-شهری به‌عنوان متغیرهای کلیدی و ۷ متغیر ریسک که عبارت‌اند از نگاه سودجویانه بخش‌های دولتی به نواحی پیراشهری؛ استقرار مدیریت یکپارچه نواحی پیراشهری؛ به‌کارگیری اصول برنامه‌های آمایش سرزمین در توسعه نواحی پیراشهری؛ افزایش مشارکت‌های مردمی در نواحی پیراشهری؛ ظرفیت نهادی در نواحی پیراشهری؛ افزایش مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری در نواحی پیراشهری و مدیریت رانتیر که پتانسیل زیادی برای تبدیل به متغیرهای کلیدی رادارند به‌عنوان عوامل کلیدی در آینده تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل مطرح می‌باشند.

آنچه از این عوامل برمیاید این است تمام شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و کالبدی در وضعیت نواحی پیراشهری اردبیل مهم هستند و به همه آنها باید توجه شود.

البته لازم به توضیح است که برای استخراج سناریوهای احتمالی آینده تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل ۱۶ عامل کلیدی استخراج شد. این ۱۶ عامل شامل متغیرهای کلیدی (۴ مورد)؛ متغیرهای ریسک (۷ مورد) و متغیرهای تنظیمی (۵ مورد) می‌باشند و در اصل از بین ۵۳ متغیر، ۱۶ متغیر به عنوان مهم‌ترین متغیرهای پیشران مؤثر بر آینده وضعیت نواحی پیراشهری اردبیل در ابعاد کالبدی-فضایی به دست آمد. برای به دست آوردن سناریوهای احتمالی در وهله اول برای ۱۶ متغیر کلیدی به دست آمده، ۳۶ وضعیت احتمالی تدوین شد و سپس در نرم‌افزار سناریوویزارد ماتریس تشکیل و پس از تکمیل آن ۵ سناریو با بالاترین سازگاری استخراج شد. از بین این ۵ سناریو، سناریو اول و سناریو پنجم بیشترین امتیاز سازگاری را دارند.

طبق نتایج به دست آمده سناریوی اول بهترین سناریوی مورد انتظار برای بهبود وضعیت کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل است، با تحقق این سناریو، ۹۳/۷۵ درصد از عوامل تعیین‌کننده وضعیت کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل محقق خواهد شد. ۱۵ عامل کلیدی در این سناریو جزو وضعیت‌های احتمالی مطلوب و یک عامل جزو وضعیت بحرانی قرار دارد. سناریو پنجم سناریوی بحرانی است که در صورت تحقق این سناریو، وضعیت عوامل تأثیرگذار در آینده تحولات کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل به بدترین حالت خود اتفاق خواهد افتاد. با توجه به خروجی نرم‌افزار میک مک که ناپایداری سیستم را نشان می‌دهد بهتر است اقدامات اولیه در راستای رفع وضعیت‌های بحرانی اتخاذ شود تا سیستم به سمت پایداری حرکت کرده و عوامل تأثیرگذار در سناریوی اول روند تأثیرگذاری مثبت خود را داشته باشند. البته سه سناریو دیگر نیز که در جدول شماره ۴ ارائه شده است ترکیبی از وضعیت‌های مطلوب، بحرانی و ایستا را نشان می‌دهد لذا با توجه به بالا بودن امتیاز سازگاری سناریو اول و پنجم توجه به این دو سناریو در اولویت قرار دارد.

چهار عامل نگاه آمایشی و استقرار فعالیت‌های مولد و افزایش بهره‌وری در حوزه‌های مختلف در نواحی پیراشهری در قالب یک طرح کلان مانع از نگاه سودجویانه بخش‌های دولتی به نواحی پیراشهری خواهد شد (E1)؛ تقویت نهادهای مردمی و تسهیل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فعالیت‌های مولد و کارآفرینی در نواحی پیراشهری، هدایت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زا، برنامه‌ریزی از پایین به بالا و... از عواملی است که می‌تواند مانع از رانتی شدن مدیریت محلی در نواحی پیراشهری شود (K1)؛ با استقرار مدیریت یکپارچه نواحی پیراشهری و تجمع اطلاعات و داده‌ها جهت انجام مدیریت سیستمی باعث اتخاذ تصمیم‌های منطقی با در نظر گرفتن منفعت عمومی و لحاظ نمودن ظرفیت‌های زیست‌محیطی منطقه و افزایش بهره‌وری فعالیت‌ها خواهد شد (O1)؛ انسجام نهادهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در اتخاذ و اجرای سیاست‌های کلان در نواحی پیراشهری در نیل به اصول آمایش سرزمین و توسعه پایدار (C1) جزو بالاترین ارزش سازگاری مربوط به عوامل کلیدی در آینده وضعیت کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل می‌باشند. لازم به توضیح است که هر ۱۶ عامل دارای امتیاز سازگاری مثبتی هستند که نشان از تأثیرگذاری بالای آنها دارد. در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده مهم‌ترین پیشنهادها در راستای بهبود وضعیت کالبدی-فضایی نواحی پیراشهری اردبیل ارائه می‌شود:

- تقویت نقش نهادهای محلی و نهادهای مردمی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به نواحی پیراشهری اردبیل؛
- تأمین زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در نواحی پیراشهری اردبیل و تسهیل مقدمات حضور شرکت‌های دانش‌بنیان، مراکز رشد، فعالیت‌های مولد، کارخانه‌های نوآوری و فعالیت‌های بهره‌ور در این نواحی؛
- تفویض اختیار بیشتر به نهادهای محلی توسط دولت در راستای پیاده‌سازی حکمروایی شایسته و برنامه‌ریزی از پایین به بالا؛
- همسویی طرح‌های کلان و جامع نواحی پیراشهری اردبیل با اصول آمایش سرزمین و هم‌مسیر شدن این طرح‌ها برای بهبود منفعت عمومی و برگشت زندگی همگان؛
- توجه ویژه نهادهای محلی و دولت به بخش کشاورزی در این نواحی و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها به‌ویژه توسط سرمایه‌گذاران بخش خصوصی با تأمین زیرساخت‌های لازم توسط دولت هم برای افزایش اشتغال و هم برای تأمین امنیت غذایی ساکنین نواحی شهری و روستایی؛
- استقرار مدیریت یکپارچه شهری و خارج از شدن از رویکرد جزیره‌ای با ایجاد شهرداری‌های ویژه نواحی پیراشهری از آنجایی که سکونتگاه‌های غیررسمی در ارتباط تنگاتنگ با نواحی پیراشهری می‌باشند و هرگونه تغییرات و تحولات در نواحی پیراشهری متوجه سکونتگاه‌های غیررسمی نیز هست لذا نهادهای مسئول باید توجه جدی در برقراری ارتباط بین این دو فضا هم برای بهبود وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی و هم نواحی پیراشهری داشته باشند؛ و
- اهتمام ویژه در بهسازی، مقاوم‌سازی و بهبود مسکن نواحی پیراشهری، به گونه‌ای که بتوان فضایی امن برای سکونت فراهم آورد.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی به شماره قرارداد ۱۴۰۲/د/۹/۱۶۰۸۵ از محل اعتبارات معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه محقق اردبیلی می‌باشد. و با حمایت مادی و معنوی دانشگاه محقق اردبیلی انجام شده است.

منابع

- اسماعیل‌زاده، حسن؛ صالح‌پور، شمسی؛ قاسمیان، زری و مظاهری، ابوذر. ۱۳۹۷. **عوامل مؤثر بر تولید فضا در نواحی پیراشهری (مطالعه موردی: شهر ارومیه)**. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۶، شماره ۱، صص ۵۴-۲۳. 10.22059/jurbangeo.2018.226411.707
- افراخته، حسن. ۱۳۹۹. **فضاهای پیراشهری: الگوها، عوامل و پسايندها**. مجله توسعه فضاهای پیراشهری، سال دوم، شماره اول، صص ۱۸-۱. 20.1001.1.26764164.1399.2.1.1.8
- افراخته، حسن و حجی‌پور، محمد. ۱۳۹۴. **اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه‌ای ایران**. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۸۷-۱۱۰. 10.18869/acadpub.serid.4.14.87
- برهانی، کاظم؛ رفیعیان، مجتبی و مشکینی، ابوالفضل. ۱۳۹۶. **تغییرات کاربری زمین شهری و اقتصادسیاسی فضا: ارائه مدل مفهومی-تلفیقی**. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هجدهم، شماره ۳، صص ۱۰۹-۸۶. 20.1001.1.17351901.1396.18.3.4.6
- پوراحمد، احمد، مهدی، حسام، حدیثه، آشور، محمدپور، صابر. ۱۳۸۹. **تحلیلی بر الگوی گسترش کالبدی- فضایی شهر گرگان با استفاده از مدل‌های آنتروپی شانون و هلدرن**. پژوهش‌های برنامه‌ریزی شهری، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۸-۱. 20.1001.1.22285229.1389.1.3.1.4

- پولانی، کارل. ۱۳۹۱. **دگرگونی بزرگ، خاستگاه‌های سیاسی و اقتصادی روزگار ما**. ترجمه محمد مالجو، چاپ اول، انتشارات پردیس دانش، تهران.
- حاتمی نژاد، حسین و عبدی ناصح. ۱۳۸۶. **اقتصادسیاسی و فضای شهری**. نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۳۸، صص ۲۰۵-۱۹۸.
- حسینی خواه، حسین، زنگی آبادی، علی. ۱۳۹۶. **تحلیل روند و نحوه گسترش شهرهای سیاسی - اداری ایران (موردپژوهشی: یاسوج از پیدایش تاکنون)**. جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۸، شماره ۴، صص ۱۴۳-۱۶. 10.22108/gep.2017.98167.0
- حق پناه، یعقوب، رفیعان، مجتبی، کامیابی، سعید، ارغان، عباس. ۱۳۹۸. **تبیین نقش الگوی مدیریت زمین شهری مبتنی بر توسعه کالبدی-فضایی شهرها (مورد پژوهی: منطقه ۱۲ کلانشهر تهران)**. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۱۰، شماره پیاپی ۳۷، صص ۶۷-۸۲. 20.1001.1.22285229.1398.10.37.6.0
- حکیمی، هادی. ۱۳۹۰. **نقش توسعه‌یافتگی کلاسیک در شکل‌گیری گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، مطالعه موردی: شهر خوی**. رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، به راهنمایی دکتر محمدرضا پورمحمدی و دکتر اکبر پرهیزکار، دانشگاه تربیت مدرس.
- خمر، عباسعلی. ۱۳۸۵. **اصول و مبانی جغرافیای شهری**. انتشارات قومس، تهران.
- دانشپور، زهره. ۱۳۸۵. **تحلیل نابرابری فضایی در محیط‌های پیراشهری**. هنرهای زیبا، دوره ۲۸، شماره ۲۸، پیاپی ۱۴۰۷، صص ۱۴-۵. https://jhz.ut.ac.ir/article_17087.html
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ صرافی، مظفر؛ آشنایی، تکتم. ۱۳۹۵. **تحولات پیراشهرنشینی در هاله کلان‌شهری تهران در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ خورشیدی به‌سوی توسعه‌ای سازنده با گسترشی پراکنده؟** نامه معماری و شهرسازی. شماره ۱۶. صص ۳۳-۵. 10.30480/aup.2016.279
- رفیعی، مهرا؛ خطیبی، سیدمحمدرضا و داودپور، زهره. ۱۳۹۹. **تبیین مفهوم پیراشهری و عوامل مؤثر در ایجاد و توسعه آن**. مجله باغ نظر، ۱۷ (۹۲)، صص ۵۰-۲۹. 10.22034/bagh.2020.194075.4215
- رنه شورت، جان. ۱۳۹۰. **نظریه شهری، یک رویکرد انتقادی**. ترجمه کرامت الله زبیدی، فریاد پرهیز و حافظ مهدنژاد، انتشارات دانشگاه تهران.
- سرور، رحیم؛ درویش، بهروز و خلیجی، محمدعلی. ۱۴۰۰. **اقتصادسیاسی و مدیریت یکپارچه حریم منطقه کلان‌شهری تهران**. اقتصادشهری، دوره ۶، شماره ۱، توالی ۹، صص ۴۰-۲۷. 10.22108/ue.2022.134331.1220
- سعیدی فرد، فرانک؛ رضویان، محمدتقی و قورچی، مرتضی. ۱۳۹۷. **تبیین بازتاب اقتصاد رانتی بر سازمان فضایی کلانشهرها (نمونه موردی: منطقه ۱ شهر تهران)**. پژوهش‌های دانش زمین، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۱۶۴-۱۴۵. 10.29252/esrj.9.2.145
- سیف‌الدینی، فرانک، زیاری، کرامت الله، پوراحمد، احمد، نیک پور، عامر. ۱۳۹۱. **تبیین پراکنش و فشردگی فرم شهری در آمل با رویکرد فرم شهری پایدار**. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۴، شماره ۸۰، صص ۱۵۵-۱۷۶.
- طاهریان، نازلی و پارسى، حمیدرضا. ۱۴۰۲. **دینامیزم اقتصادسیاسی فضا، ناموزونی کالبدی و اغتشاش بصری (مطالعه موردی: خیابان شهرداری از میدان تجریش تا میدان قدس)**. مجله منظر، ۱۵ (۶۳)، صص ۶۹-۵۲. 10.22034/manzar.2023.364363.2206
- عباسی، حامد. ۱۳۹۲. **تبیین جایگاه حکمروایی خوب شهری در ساماندهی اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: اسلامشهر)**. رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، به راهنمایی دکتر نفیسه مرصوسی، دانشگاه پیام نور تهران.
- علی‌اکبری، اسماعیل. ۱۳۹۴. **شهر معاصر ایران: بنیادهای ساختارشناسی الگوی رانتی شهر ایرانی (مطالعه موردی: شهر کرد)**. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی و اسلامی، شماره ۱۹، صص ۳۹-۲۹.

- علی اکبری، اسماعیل؛ امیریان، سهراب و حسینی، سیده مژده. ۱۴۰۰. نقش دولت در گسترش نواحی پیراشهری، مطالعه موردی سنندج. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۳۶، شماره ۴، صص ۳۶۲-۳۴۷. <http://georesearch.ir/article-1-1120-fa.html>
- عنابستانی، علی اکبر، فعال جلالی، امین. ۱۴۰۰. تحلیل میزان اثرگذاری نظارت دهیاری‌ها بر ساخت و سازهای توسعه کالبدی (مطالعه موردی: روستاهای پیراشهری کلان‌شهری مشهد). برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، سال ۶، شماره ۱، صص ۴-۶۷. <https://doi.org/10.30473/psp.2021.47973.2166>
- فنی، زهره؛ خلیل‌اللهی، حسینعلی؛ سجادی، ژیل و فال سلیمان، محمود. ۱۳۹۷. تحلیل مهاجرت‌های روستا-شهری و پیامدهای آن بر ناپایداری شهری، مطالعه موردی: شهر بیرجند. پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، شماره ۱ (پیاپی ۱۷)، صص ۲۴-۱۳. 20.1001.1.25383930.1397.9.17.1.3
- قادرمرزی، حامد و احمدی، عاطفه. ۱۳۹۶. تحلیل سطوح توسعه اقتصاد فضا و اثرات فضایی آن در سطح ناحیه پیراشهری سنندج. نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هشتم، شماره ۳۱، صص ۱۲۲-۱۰۵. 20.1001.1.22285229.1396.8.31.6.4
- قنبری، سیروس و جمشیدزهی شه‌بخش، امید. ۱۳۹۹. خزش شهری و تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های پیراشهر زاهدان. مجله توسعه فضاهای پیراشهری، شماره اول، صص ۱۰۳-۸۵. 20.1001.1.26764164.1399.2.1.6.3
- کریمیان بستانی، مریم؛ میر، مهیار و شهرکی، داود. ۱۳۹۹. نقش چابهار و منطقه ویژه اقتصادی آن در توسعه سکونتگاه‌های پیراشهری. مجله توسعه فضاهای پیراشهری، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۴۲-۱۲۹. 20.1001.1.26764164.1399.2.2.8.7
- مکانیکی، جواد؛ شیرزور، زهرا و جعفری سهل آباد، بهاره. ۱۴۰۰. عوامل مؤثر بر رشد سکونتگاه‌های پیراشهری بیرجند. مجله توسعه فضاهای پیراشهری، سال سوم، شماره اول، پیاپی ۵، صص ۷۸-۵۹. 20.1001.1.26764164.1400.3.1.4.8
- ناصری منش، علی؛ ایمانی، بهرام و خلیفه، ابراهیم. ۱۴۰۱. ارزیابی سطح پایداری کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های پیراشهری (مورد: بخش مرکزی شهرستان اردبیل). مجله توسعه فضاهای پیراشهری، سال چهارم، شماره اول، صص ۲۰۰-۱۸۳. 20.1001.1.26764164.1401.4.1.10.1
- وهابی، مهرداد. ۱۳۹۴. اقتصاد سیاسی قدرت انهدامی. نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۱۷ و ۲۱۸، صص ۶۹-۶۲.
- هاروی، دیوید. ۱۳۸۷. شهری شدن سرمایه. ترجمه عارف اقوامی مقدم، انتشارات اختران، تهران.
- هاروی، دیوید. ۱۳۹۴. هدفده تضاد و پایان سرمایه داری. ترجمه عارف اقوامی مقدم، چاپ اول، نشر اختران، تهران.
- Bali, Bhawna & Bhatia, Neha (2021) **Development, Prosperity and Aspirations: A Narrative from the Peri-Urban Areas of Noida**, Journal of Land and Rural Studies, Vol 10, Issue 1, pp 54-74. <https://doi.org/10.1177/23210249211051440>
- Bhanye, Johannes; Hazel Shayamunda, Ruvimbo; Irene Mpahlo, Rumbidzai; Matamanda, Abraham; Kachena, Lameck (2023) **Land politics and settlers' responses to land tenure under threat in emerging peri-urban spaces in Zimbabwe**, Land Use Policy 135, 106945, <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2023.106945>
- Caruso, G (2015). **Peri-Urbanisation: the situation in Europe. A bibliographical note and survey of studies in the Netherlands**, Belgium Great Britain, Germany, Italy and the Nordic countries
- Gidwani, Vinay and Upadhya, Carol (2022) **Articulation work: Value chains of land assembly and real estate development on a peri-urban frontier**, Environment and Planning A: Economy and Space, Volume 55, Issue 2. <https://doi.org/10.1177/0308518X221107016>
- Godet, A. J, Meunier, M. F & Roubelat, F (2003). **Structural analysis with the MICMAC method & actors' strategy with MACTOR method**, in Glenn, J. C, Gordon, T. J (Eds), AC/UNU Millennium Project: Futures Research Methodology-V2. 0, AC/UNU, Washington, DC.
- Heider, Bastian and Siedentop, Stefan (2020) **Employment suburbanization in the 21st century: A comparison of German and US city regions**, Cities, Volume 104. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102802>
- Hlavacek P, Miroslav K, Lucie (2019) **Impact of Suburbanisation on Sustainable Development of Settlements in Suburban Spaces: Smart and New Solutions**. Journal Sustainable Vol. 11. No. 24. PP.2-18. <https://doi.org/10.3390/su11247182>

- Horn, Philipp (2021) **The politics of hyperregulation in La Paz, Bolivia: Speculative peri-urban development in a context of unresolved municipal boundary conflicts**, Article first published online, pp 1-17. <https://doi.org/10.1177/00420980211031806>
- Kamusoko, C.; Kamusoko, O.W.; Chikati, E.; Gamba, J. (2021) **Mapping Urban and Peri-Urban Land Cover in Zimbabwe: Challenges and Opportunities**. *Geomatics*, 1, 114–147. <https://doi.org/10.3390/geomatics1010009>
- Kocabas, V, Dragicevic, S, (2013), «**Bayesian networks and agent-based modeling approach for urban land-use and population density change: a BNAS model**», *J Geogr Syst* 15: 403–426. <https://doi.org/10.1007/s10109-012-0171-2>
- Leitner, Helga & Sheppard, Eric (2022) **Speculating on land, property and peri/urban futures: A conjunctural approach to intra-metropolitan comparison**, *Urban Studies*, Vol 59, Issue 8, pp 1655-1675. <https://doi.org/10.1177/00420980221081642>
- Lundman, Riina and Kymäläinen, Paivi (2023) **The suburban ethics of care: Caring for shared spaces in suburban regeneration**, *Cities*, Volume 141, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104528>
- Majewska, Anna; Denis, Małgorzata; Krzysztof, Sylwia; Monika Maria, Cysek-Pawlak (2022) **The development of small towns and towns of well-being: Current trends, 30 years after the change in the political system, based on the Warsaw suburban area**, *Land Use Policy*, Volume 115, <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2022.105998>
- McDougal, Topher L.(2011) "**The political economy of rural-urban conflict :lessons from West Africa & India.**" Thesis, Massachusetts Institute of Technology. <http://hdl.handle.net/1721.1/67560>.
- UNHabitat. (2020) **The Strategic Plan 2020–2023**. Available online: https://unhabitat.org/sites/default/files/documents/2019-09/strategic_plan_2020-2023.pdf (accessed on 1 September 2020).
- Williams, K (1999). **Urban intensification policies in England: problems and contradictions**. *Land Use Policy*, 16 (3), pp.167-178. [https://doi.org/10.1016/S0264-8377\(99\)00010-1](https://doi.org/10.1016/S0264-8377(99)00010-1)
- **World Health Organization. Urban Population Growth**. (2020). Available online: https://www.who.int/gho/urban_health/situation_trends/urban_population_growth_text/en/(accessed on 31 August 2020).
- Yang, Y., (2010), **Sustainable urban transformation driving forces, indicators and processes**, for the degree of Doctor of Science, ETH Zurich.